

خرید کتاب های کنکور

با تخفیف ویژه

و

ارسال رایگان

Medabook.com



مدابوک



یک جله تماس تلفنی رایگان

با مشاوران رتبه برتر

برای انتخاب بهترین منابع

دبیرستان و کنکور

۰۲۱ ۲۸۴۲۵۲۱۰



فهرست

فارسی یازدهم

فارسی دهم

درس	پرسش های چهارگزینه ای	درنامه	درس	پرسش های چهارگزینه ای	درنامه
تأیث	۱۰	۳۴۸	تأیث	۱۷۳	۴۱۵
کیم	۱۵	۳۵۰	کیم	۱۷۹	۴۱۶
دوم	۲۵	۳۵۵	دوم	۱۹۰	۴۲۱
سوم	۲۵	۳۵۸	سوم	۲۰۳	۴۲۵
چخم	۴۵	۳۶۲	چخم	۲۱۲	۴۲۹
ششم	۵۴	۳۶۶	ششم	۲۲۱	۴۳۴
هفتم	۶۳	۳۷۰	هفتم	۲۳۲	۴۳۸
هشتم	۷۵	۳۷۴	هشتم	۲۴۵	۴۴۴
نهم	۸۴	۳۷۷	نهم	۲۵۷	۴۴۹
دهم	۹۳	۳۸۱	دهم	۲۷۰	۴۵۵
یازدهم	۱۰۱	۳۸۴	یازدهم	۲۷۸	۴۵۹
دوازدهم	۱۰۹	۳۸۸	دوازدهم	۲۸۶	۴۶۳
سیزدهم	۱۱۹	۳۹۳	چهاردهم	۲۹۸	۴۶۹
چهاردهم	۱۲۹	۳۹۸	پانزدهم	۳۰۷	۴۷۵
شانزدهم	۱۳۹	۴۰۲	شانزدهم	۳۱۸	۴۷۹
هفدهم	۱۵۱	۴۰۶	هفدهم	۳۲۷	۴۸۵
جدهم	۱۵۸	۴۰۹	جدهم	۳۳۵	۴۸۷
نیایش	۱۶۷	۴۱۲	نیایش	۳۴۲	۴۹۱
پانخ نامه تشریحی	۴۹۳		پانخ نامه تشریحی	۵۹۶	
پانخ نامه کلیدی	۷۰۴				

درس ششم

درکوی عاشقان

سؤالات و پاسخ‌ها

۲۰۱۶- عبارت زیر، معنای کدام واژه نیست؟

«آن که مراحل سیر و سلوک را پشت سر گذاشته و سالکان را هدایت و راهنمایی می‌کند.»

(۱) مراد (۲) پیر (۳) مرید (۴) مرشد

۲۰۱۷- معنای صحیح واژه‌های «زهد - عازم - شبگرد - ملک» به ترتیب در کدام گزینه دیده می‌شود؟

(۱) پنددادن - رهسپار - شبرو - شاه
(۲) پارسایی - راهی - شبرو - فرشته
(۳) اندرز - روانه - دزد - سلطان
(۴) پرهیزگاری - رهسپار - گدا - فرشته

۲۰۱۸- معانی ارائه‌شده برای کدام دو واژه، کاملاً صحیح است؟

الف) مناسک: آیین‌های مذهبی، اعمال عبادی
ج) رضوان: بهشت، نام فرشته‌ای که نگهبان بهشت است.
ب) شریعت: راه دین، طریقت
د) خوش‌لقا: نیکوسیرت، خوش‌سیما
(۱) الف - ج (۲) ب - د (۳) ب - ج (۴) الف - د

۲۰۱۹- معنای چند واژه نادرست است؟

(تشییع: همراهی کردن جنازه تا گورستان) - (شریعت: آیین) - (محضر: بارگاه خداوندی) - (مرشد: مقابل سالک) - (متفق: همسو و موافق) - (کبریا: افلاک) - (صنم: بت) - (قُدس اللّهُ روحه العزیز: پاک و منزّه است خداوند عزیز)

(۱) چهار (۲) یک (۳) دو (۴) سه

۲۰۲۰- در کدام عبارت، غلط املائی دیده نمی‌شود؟

(۱) هنگامی که بهاء‌ولد، مناسک حج را به پایان برد، در بازگشت، به طرف شام روانه گردید و مدّتی در آن نواهی به سر برد.
(۲) جلال‌الدّین، روزها به شغل تدریس می‌گذرانید و مردم روزگار بر تقوا و زهد او متّفق بودند.
(۳) مولانا در دمشق، پیوسته به افغان و زاری و بی‌قراری، شمس را از هر کوی و برزن جست‌وجو می‌کرد.
(۴) یاران مولانا هم که پژمرده‌گی و دلتنگی او را در غیبت شمس دیده بودند، از کردار خود پشیمان شدند و مولانا عذرشان را پذیرفت.

۲۰۲۱- در متن زیر، املائی چند کلمه نادرست است؟

«محمّدبن حسین خطیبی، معروف به «بهاء‌الدّین» به سبب هراس از بی‌رحمی و کشتار مغول و رنجش از خوارزم‌شاه ناچار از بلخ مهاجرت کرد. آوازه تقوا و فضل و تأثیر بهاء‌ولد همه‌جا را فراگرفت. مولانا به اصرار مریدان، مجالس درس و وعظ را به عهده گرفت. مدّتی در شهر خَلَب به تحصیل علوم پرداخت. در قونیه، طالبان علوم شریعت در محضر او حاضر می‌شدند. چون یاران مولانا به آزار شمس برخاستند، وی عزم کرد که دیگر بدان شهر پُرغوغا باز نیاید. حُسام‌الدین از مولانا خاست کتابی به طرز «الهی‌نامه» یا «منطق‌الطّیر» به نظم آرد. ناسزای خصمان را هرگز جواب تلخ نمی‌داد. اهل قونیه، از خورد و بزرگ، در تشییع پیکر مولانا حاضر شدند.»

(۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک

۲۰۲۲- در بیت «عشق غالب شد و از گوشه‌نشینیان سلاح / نام مستوری و ناموس کرامت برخواست»، املائی واژه، غلط است.

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۲۰۲۳- همه ابیات، به استثنای بیت گزینه فاقد غلط املائی‌اند.

(۱) آمد موج آست، کشتی قالب بیست
(۲) با رخ تو خواهش حور و قصور
(۳) صدرش چو باغ رضوان یا صُفّه سلیمان
(۴) ورق حُسن، محال است نگردد «صائب»
باز چو کشتی شکست نوبت وصل و لقاست
محض گناه است و قصور ای صنم
کز منطق‌الطّیورش الهان تازه بینی
هیچ متبوع ندیدیم که تابع نشود

(کانون فرهنگي آموزش ۹۸)

۲۰۲۴- در کدام بیت، غلط املايي وجود دارد؟

- ۱) عقوبت محال است اگر بت پرست
- ۲) زلف طزار تو زان پس حيله ها انگيخته است
- ۳) وی ز شعر من و شعار تو فاش
- ۴) يکي کشتي از دانش و عظم بايد

۲۰۲۵- در کدام گروه از کلمات، غلط املايي هست؟

- ۱) مقامات عرفاني - علاءالدين کيقباد سلجوقي - مجالس وعظ و خطابه - دستار و عمامه
- ۲) قهر و غضب - غوغا و هياهو - منظر و سيما - دريغ و افسوس
- ۳) صلاح الدين و حسام الدين - صلح طلبی و خير مطلق - تلخيص و تصرف
- ۴) مرثيه و تعزیه - سير و سلوک - طئن و ملامت - مناسک حج

۲۰۲۶- در ابیات زیر، مجموعاً چند غلط املايي يافت می شود؟

- | | |
|---|--|
| الف) غوغای عارفان و تمنای عاشقان | حرف بهشت نیست که شوق لقای توست |
| ب) بر آستانه میخانه هر که يافت رهی | ز فیض جام می اصرار خانقه دانست |
| ج) روزه یک سو شد و عید آمد و دل ها برخاست | می ز خُمخانه به جوش آمد و می باید خواست |
| د) عجب داری از سالکان طریق | که باشند در بهر معنی غریق |
| ه) عروس تبع را زیور ز فکر بکر می بندم | بُود کز دست اِتامم به دست افتد نگاری خوش |

- ۱) سه ۲) چهار ۳) پنج ۴) دو

۲۰۲۷- کدام عبارت فاقد غلط املايي است؟

- ۱) چون از مناسک حج فارغ شدیم، پدرم گفت: شیخ عبدالمملک طبری را زیارت کنیم که او از بزرگان مشایخ عصر بوده است و او را مقامات مشهور است.
- ۲) شیر را دو شغال زیرک طبع نیکو محضر پسندیده منظر ندیم و انیس بود؛ هر دو به مزید غربت از دیگر خواص خدم، مرتبه تقدّم یافته و مُشیر و محرم اسرار مملکت گشته.
- ۳) آن چشمه روضه رضا، آن نقطه کعبه رجا، آن ناطق حقایق، آن واعظ خلائق، خلّی عجب داشت و بسطی با قبضی آمیخته و رجایی غالب.
- ۴) و باید شناخت ملک را که از کژمزاج هرگز راستی نیاید و بدسیرت مذموم طریفت را به تکلیف و تکلف بر اخلاقی مرضی و راه صواب آشنا نتوان کرد.

موی ۲۰۲۸- با توجه به ابیات و عبارت زیر، معنای چند واژه مشخص شده درست است؟

- | | |
|---|--|
| الف) بروید ای حریفان، بکشید یار ما را | به من آورید آخر، صنم گریزیا را (باران و همدمان - معشوق زیبارو) |
| ب) هر نفس آواز عشق می رسد از چپ و راست | ما به فلک می رویم، عزم تماشا که راست؟ (سیر و تفرّج) |
| ج) طالبان علوم شریعت در محضر او حاضر شدند. (مجلس درس) | |

- ۱) یک ۲) دو ۳) سه ۴) چهار

موی ۲۰۲۹- در گزینه، معنای همه واژه ها صحیح است.

- ۱) دستار، طعن، خوش الحان ← پارچه ای که به دور سر بپیچند، سرزنش، خوش آواز
- ۲) حسام، مطلق، درنگ ← شمشیر بزّان، بی قید و شرط، فوراً
- ۳) افغان، ملامت، لقا ← ناله و زاری، نرمی، روی
- ۴) سالک، دوش، گلشن ← رونده راه حق، دیروز، گلزار

موی ۲۰۳۰- «حریف» در کدام بیت، معنایی متفاوت با سایر ابیات دارد؟

- | | |
|---------------------------------------|----------------------------------|
| ۱) ای خوشا دولت آن مست که در پای حریف | سر و دستار نداند که کدام اندازد |
| ۲) دل منه بر وفای صحبت او | کان چنان را حریف چون تو بسی است |
| ۳) سعدی نه حریف غم او بود ولیکن | با رستم دستان بزند هر که درافتاد |
| ۴) نی حریف هر که از یاری بُرید | پرده هایش، پرده های ما درید |

(کانون فرهنگي آموزش ۹۸)

موی ۲۰۳۱- در کدام گزینه، معنای تمام واژه ها درست آمده است؟

- ۱) (برنشستن: سوار شدن) - (مناسک: جای عبادت) - (مهمات: کارهای خطر)
- ۲) (مقرون: همراه) - (نماز پیشین: نماز صبح) - (وبال: گناه)
- ۳) (شوریده رنگ: آشفته حال) - (عقد: پیمان) - (زُقه: نامه کوتاه)
- ۴) (ادبار: بدبختی) - (تیره رای: بداندیشی) - (نژند: اندوهگین)



موی ۲۰۳۲- در کدام عبارت غلط املائی دیده می‌شود؟

- (۱) تنی چند از روندگان متفق سیاحت بودند و شریک رنج و راحت. خواستم تا موافقت کنم موافقت نکردند. گفتم: از کرم و اخلاق بزرگان بدیع است روی از مصاحبت مسکینان تافتن و فایده دریغ داشتن ...
- (۲) حاکم، این سخن عظیم بی‌پسندید و اسباب معاش یاران فرمود تا به قاعده ماضی مهتیا دارند. شکر نعمت بگزاردم و عذر جسارت بخاستم و درحال بیرون آمدم.
- (۳) هزاران داستان حمد و ثنا از زبان مرغان بهارستان عشق و وفا که از منابر اغصان (شاخه‌های) فضل و احسان به حسن اصوات و طیب الحان، علی‌الدوام خوانند و به مسامع حاضران مجامع قدس و ناظران مناظر اُنس رسانند.
- (۴) علما گویند: «مقام صاحب مروت به دو موضع ستوده است: در خدمت پادشاه کامران مکرم، یا در میان زُهاد قانع محترم». کلبه گفت: ایزد تعالی خیر و خیرت و صلاح بدین عزیزمت، مقرون گرداناد.

(کانون فرهنگی آموزش ۹۷)

موی ۲۰۳۳- در کدام بیت، غلط املائی یافت می‌شود؟

- (۱) محل نور تجلی است رای انور شاه
- (۲) لب تو خضر و دهان تو آب حیوان است
- (۳) نزدیک یار اگر نه چنین خوار و خردمی
- (۴) راحت جان باشد از آن قبضه تیغ

موی ۲۰۳۴- در جملات زیر، املاي کدام واژه‌ها غلط است؟

- «مردن به علت به که زندگانی به مذلت. کوتاه‌نظران را بدین علت زبان طعن دراز گردد. بر خردمند واجب است که به قضای آسمانی ایمان آرد و جانب حزم مهمل نگذارد. درویشی، اصلِ بلاها و زایل‌کننده زور و حمیت و مجمع شر و آفت است. اگر نقض عهدهی کنم که بسته‌ام، وذر آن تا ابد در گردن من بماند. چکاوک نوای غریب نواخته و سفیر الحان هزاردستان، هنگامه لُهو و طرب گرم کرده.»
- (۱) حمیت - مذلت - غریب (۲) نقض - قضا - زایل (۳) نگزارد - سفیر - وذر (۴) الحان - طرب - لُهو

موی ۲۰۳۵- در متن زیر املاي کلمات کدام گزینه، همگی نادرست است؟

- «... مَلِک‌زاده دُورِ زمان را به امن و امان قرین ساخت و خُرد و بزرگ را به فضل و رأفت نواخته، در تمامت مُلک پدر سیر و تفرّج نمود و هر جا چشم گشوده پرتو حسن در فضای بسیط تابان بود و مقامی دلگشای را طالب و خواهان تا به موضعی رسید؛ مقامی دلکش و نقض دید و فضایی خرم و سبز و این موضع محلی بود از نواهی شرق در غایت نزهت و صفا که بر جانب جنوبش دو نهر عظیم جاری بود، و هر سو چشمه خوشگوار و هر جا بیشه و مرغزاری که رشک چشمه حیوان بود و جفت روضه رضوان. آرزوی بنایی مُعظّم در دل وی خاست؛ پس عظیمت استوار کرد و عمارتی برقرار.»

- (۱) نواهی - نقض - عظیمت (۲) عظیمت - خاست - نقض (۳) مرغزار - عمارت - خاست (۴) نواهی - رأفت - نقض



(تهری ۸۱)

۲۰۳۶- شاعر در همه ابیات زیر، به جز انسان را به «عروج» فرا می‌خواند.

- (۱) از مه او مه شکافت، دیدن او برتافت
- (۲) خود ز فلک برتریم، وز ملک افزون‌تریم
- (۳) خلق چو مرغابیان زاده ز دریای جان
- (۴) هر نفس آواز عشق، می‌رسد از چپ و راست

۲۰۳۷- عبارت «زود باشد که این پسر تو آتش در سوختگان عالم زند» با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

- (۱) نالیدن عاشقان دلسوز
- (۲) بر من گذر نکرد شبی کاشتیاق تو
- (۳) دل درون سینه‌ام در آتش غم درگرفت
- (۴) تنم از واسطه دوری دلبر بگذاخت

۲۰۳۸- مفهوم کدام بیت با عبارت «در این میان با بی‌توجهی به ملامت و هیاوی مردم خود را با سرودن غزل‌های گرم و پر سوز و گداز عاشقانه سرگرم می‌کرد.» متناسب است؟

- (۱) مکن به نامه‌سیاهی ملامت من مست
- (۲) بدان رو عشق می‌ورزم دگر فاش
- (۳) کنج عزلت بنشستم ز سخن لب بستم
- (۴) سر خود در قدم دشمن خود بگذارم

۲۰۳۹- بیت «خود ز فلک برتریم وز ملک افزون تریم / زین دو چرا نگذریم منزل ما کبریاست» با کدام گزینه قرابت مفهومی دارد؟

- (۱) بعد از هزار سال به بام زحل رسد
- (۲) چنین قفس نه سزای چو من خوش الحانی است
- (۳) باز برآورد عشق، سر به مثال نهنگ
- (۴) چون در شوی در باغ دل، مانند گل خوشبو شوی

۲۰۴۰- کدام گزینه با بیت «بروید ای حریفان بکشید یار ما را / به من آورید آخر صنم گریز را» ارتباط معنایی دارد؟

- (۱) صنما جفا رها کن، کرم این روا ندارد
- (۲) گر نثار قدم یار گرامی نکنم
- (۳) آن که بی جرم برنجید و به تیغ زد و رفت
- (۴) سعدیا با یار عشق آسان بود

۲۰۴۱- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) یا رب آن آهوی مشکین به ختن بازرسان
- (۲) ماه و خورشید به منزل چو به امر تو رسند
- (۳) سخن این است که ما بی تو نخواهیم حیات
- (۴) آن که بودی وطنش دیده حافظ، یا رب

۲۰۴۲- بیت «رو سر بنه به بالین تنها مرا رها کن / ترک من خراب شبگرد مبتلا کن» با کدام گزینه تقابل مفهومی دارد؟

- (۱) کنون در حال من بنگر که عاجز گشتم و مضطر
- (۲) ساقی قدحی زان می دوشینه به من ده
- (۳) به جز از شمع کسی بر سر بالینم نیست
- (۴) خواب در عهد تو در چشم من آید؟ هیاه!

۲۰۴۳- مفهوم بیت «برای من مگرى و مگو دریغ! دریغ! / به دام دیو درافتی، دریغ آن باشد» با مفهوم کدام بیت ارتباط دارد؟

- (۱) غم خود خور به روز شادمانی
- (۲) بی حسرت از جهان نرود هیچ کس به در
- (۳) بازی است عمر ما به جهان اندر ای پسر
- (۴) سنگ اگر در مرگ عاشق خون نمی‌گیرد چرا

۲۰۴۴- عبارت «با همه علم و استادی خویش در این ایام که حدوداً سی و هشت ساله بود، خدمت شمس زانو زد و نوآموز گشت.» با همه

گزینه‌ها، به جز بیت قرابت دارد.

- (۱) عشق تو منسوخ ساخت، دفتر علامگی
- (۲) گُتُوب شویم چو کودک، تخته خویش
- (۳) حرف استادان عشق است این که در بازار عشق
- (۴) مکتب عشق تو هست، مسکن صد بوعلی

۲۰۴۵- عبارت زیر با کدام گزینه قرابت مفهومی دارد؟

«طعن و ناسزای دشمنان را هرگز جواب تلخ نمی‌داد و به نرمی و حسن خلق آنان را به راه راست می‌آورد.»

- (۱) آب صاف و تیره «صائب» دشمن آینه است
- (۲) با درشتان تندخویی کن که ناهموار را
- (۳) درشتان را ملایم‌طینتی‌هایم خجل دارد
- (۴) گو تُرُش‌روی باش و تلخ‌سخن

۲۰۴۶- مفهوم «ما به فلک بوده‌ایم یار ملک بوده‌ایم / باز همان‌جا رویم جمله که آن شهر ماست» با کدام بیت متناسب نیست؟ (هنر ۹۰)

- (۱) طایر گلشن قدسم چه دهم شرح فراق
- (۲) تو را ز کنگره عرش می‌زنند صفیر
- (۳) که ای بلندنظر شاهباز سدره‌نشین
- (۴) بزمگاهی دلنشین چون قصر فردوس برین

۲۰۴۷- مفهوم «ما به فلک بوده‌ایم یار ملک بوده‌ایم / باز همان‌جا رویم جمله که آن شهر ماست» با کدام بیت ارتباط دارد؟

- (۱) همی سجود کند طلعت منیر تو را
- (۲) مرغان قدس از سر طوبی پریده‌اند (طوبی: درختی در بهشت)
- (۳) چه کنم که مرغ فکرت نرسد به آشیان
- (۴) گر دو عالم بایدت در زیر شهر داشتن



۲۰۴۸- بیت «به روز مرگ چو تابوت من روان باشد / گمان مبر که مرا درد این جهان باشد» با کدام گزینه از نظر مفهوم تناسب دارد؟

- (۱) مرگ تلخ و زندگی هم سربه سر درد و غم است
- (۲) پس از مرگ آن کس نباید گریست
- (۳) مرا که دل ز هوای تو پر شده است چه غم
- (۴) به روز واقعه تابوت ما ز سرو کنید

۲۰۴۹- بیت «کدام دانه فرورفت در زمین که نرست؟ / چرا به دانه انسانیت این گمان باشد؟» با کدام گزینه تناسب مفهومی ندارد؟

- (۱) می کند هستی فانی تو را باقی، مرگ
- (۲) درین مزرع که دارد ریشه از ساز گرفتاری
- (۳) چو دانه ای که بمیرد هزار خوشه شود
- (۴) تو جان جان جانی از مرگ جسم مگریز

۲۰۵۰- مفهوم آیه کریمه «إِذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقَوْلَا لَهُ قَوْلًا لِّينًا ...» در همه گزینه ها به جز گزینه تکرار شده است.

(کانون فرهنگی آموزش ۹۷)

- (۱) به دشمن دوست شو زانسان که هرگز
- (۲) درشتان را ملایم طینتی هایم خجل دارد
- (۳) تو هم جنگ را باش چون کینه خاست
- (۴) دل به دشمن چون ملایم شد مصفا می شود

۲۰۵۱- در همه گزینه ها، به استثنای گزینه مضمون مشترک وجود دارد.

- (۱) با بدان بد باش و با نیکان نکو
- (۲) کم مباحش از درخت سایه فکن
- (۳) شادی ز میان غم برانگیز
- (۴) روشن دلان ز خصم ندارند جان دریغ

(ریاضی ۸۴+)

۲۰۵۲- مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

- (۱) هر که بخراشدت جگر به جفا
- (۲) مکافات بدی کردن حلال است
- (۳) گر کسی با تو بد کند زهار
- (۴) با تو گویم که چیست غایت حلم

۲۰۵۳- کدام بیت با عبارت «همین حالت صلح و یگانگی با عشق و حقیقت، او را بردباری و تحمل عظیم بخشید.» تناسب بیشتری دارد؟

- (۱) آن روز که شیر خوردم از دایه عشق
- (۲) تو مگو همه به جنگ اند و ز صلح من چه آید؟
- (۳) هرگز نگشته جمع به هم عشق و سرکشی
- (۴) تو ز روی مهربانی به میان مگر درآیی

۲۰۵۴- مفهوم بیت «اگر او به وعده گوید که دمی دگر بیایم / همه وعده مکر باشد بفریب او شما را» با مفهوم کدام بیت تناسب بیشتری دارد؟

- (۱) دلم شکستی و رفتی خلاف شرط مودت
- (۲) به صد وعده نباشد عشق خرسند
- (۳) وفا و عهد مودت میان اهل ارادت
- (۴) مگذر ز ما که خاطر ما در قفای توست

(تجربی ۹۱)

۲۰۵۵- مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

- (۱) گر بیوسم همچو دانه عاقبت نخلی شوم
- (۲) که ای بلند نظر شاهباز سدره نشین
- (۳) خود ز فلک برتریم وز ملک افزون تریم
- (۴) چرا به عالم اصلی خویش وانروم؟

(هنر ۹۸+)

۲۰۵۶- بیت زیر، با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

- «ما به فلک بوده ایم، یار ملک بوده ایم»
- (۱) او را مقام و منزل و مسکن چه حاجت است
 - (۲) منزلگه جان است که جانان من آن جاست
 - (۳) خیمه در مصر چو پیراهن یوسف زده ایم
 - (۴) چیست خاک تیره تا باشد تماشاگاه ما

۲۰۵۷- مفهوم کدام بیت با مفهوم عبارت «یا عبدالکریم! حکایت‌نویس مباش، چنان باش که از تو حکایت کنند» تناسب بیشتری دارد؟

- ۱) ثابت است بر جریده عالم دوام ما
- ۲) که نامت به نیکی بماند مخلص (مخلص: جاویدان)
- ۳) بادام همان تلخ برون از شکر آید
- ۴) کار بد و نیک چو کوه و صداست

- ۱) هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق
- ۲) چنان صرف کن دولت و زندگانی
- ۳) از صحبت نیکان نشود طینت بد نیک
- ۴) هر چه کنی کشت همان بدزوی

۲۰۵۸- مفهوم کدام گزینه با سایر ابیات تفاوت دارد؟

- ۱) که آتش می‌زند در خشک و تر طرز نشید (= آواز) ما
- ۲) گل را چه غم از نعره مرغان سحرخیز؟
- ۳) که از سوز جگر خنیاگرستم (خنیاگر: آوازخوان)
- ۴) نوحه‌ای کز درد خیزد گریه بسیار آورد

- ۱) بیا گر مرد سوز و ساز عشقی ناله‌ای بشنو
- ۲) «خواجو» چه کنی ناله و فریاد جگرسوز
- ۳) به یک ناله بسوزم هر دو عالم
- ۴) عالمی در گریه است از ناله جانسوز من

۲۰۵۹- عبارت «در این میان با بی‌توجهی به ملامت و هیاوی مردم خود را با سرودن غزل‌های گرم و پر سوز و گداز عاشقانه سرگرم می‌کرد.» با کدام گزینه تناسب مفهومی ندارد؟

- ۱) سعدی از سرزنش غیر نترسد هیاهات
- ۲) گر خلق کنندم سپر تیر ملامت
- ۳) ملامت من مسکین کسی کند که نداند
- ۴) تا ذوق درونم خبری می‌دهد از دوست

- ۱) سعدی از سرزنش غیر نترسد هیاهات
- ۲) گر خلق کنندم سپر تیر ملامت
- ۳) ملامت من مسکین کسی کند که نداند
- ۴) تا ذوق درونم خبری می‌دهد از دوست

۲۰۶۰- کدام گزینه مفهومی متفاوت دارد؟

- ۱) ز چاه، یوسف جان را چرا فغان باشد
- ۲) لحد چو حبس نماید خلاص جان باشد
- ۳) غروب، شمس و قمر را چرا زبان باشد
- ۴) گمان مبر که مرا درد این جهان باشد

- ۱) کدام دلو فرورفت و پر برون نامد
- ۲) تو را غروب نماید ولی شروق بود
- ۳) فروشدن چو بدیدی برآمدن بنگر
- ۴) به روز مرگ چو تابوت من روان باشد

۲۰۶۱- مفهوم کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- ۱) سوی گلزار جمالش پی آن دانه روم
- ۲) عنقای قاف هم‌تم از عرش زد صغیر
- ۳) ملک ناسوت را به ناس بهل
- ۴) آمد به دام زلف خودش موکشان کشید

- ۱) طایر قدسم و خال رخ یارم هوس است
- ۲) چون زادم از نتایج علوی به مهد خاک
- ۳) تو ز لاهوتی ای الهی‌دل
- ۴) دل دوش می‌پرید که من مرغ زیرک

۲۰۶۲- همه گزینه‌ها، به جز بیت به یک مفهوم اشاره دارند.

- ۱) که کس به وعده خوبان امیدوار مباد
- ۲) که به روز تیرباران سپر بلا نباشد
- ۳) مرا به بند بستی خود از کمند بجستی
- ۴) به چشم خویش بدیدم خلاف هر چه بگفتی

- ۱) چه‌ها کشید دلم از خلاف وعده او
- ۲) نه حریف مهربان است حریف سست‌پیمان
- ۳) بنای مهر نمودی که پایدار نماند
- ۴) نه دست عهد گرفتی که پای وصل بدارم؟

۲۰۶۳- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) یک لقمه کنیم و غم نداریم
- ۲) دور فلک آن سنگ است، ای خواجه تو آن جامی
- ۳) فراقی نیست عین شادمانی است
- ۴) آینه برگوید خوش‌منظر است مردن

- ۱) این مرگ که خلق لقمه اوست
- ۲) جامی چه بقا دارد، در رهگذر سنگی؟
- ۳) نه مرگ است این‌که عین زندگانی است
- ۴) مرگ آینده‌ست و حسنت در آینه درآمد

۲۰۶۴- مفهوم عبارت «مولانا در زندگانی اهل صلح و سازش و مدارا بود و همین صلح و یگانگی با عشق و حقیقت او را بردباری و تحمل عظیم بخشید به‌طوری که طعن و ناسزای دشمنان را هرگز جواب تلخ نمی‌داد و با نرمی و حسن خلق، آنان را به راه راست می‌آورد.» با کدام ابیات تناسب دارد؟

- ۱) که رحمت بر او جور بر عالمی است
- ۲) چه حاجت به تند و گردن‌کشی؟
- ۳) گل بوی از آن یافت که با خار بساخت
- ۴) دیده را زین سرمه بینا کن کمال این است و بس
- ۵) با طرب‌تر از سماع و بانگ چنگ
- ۶) چو با دوست سختی کنی دشمن اوست

- الف) میخشی بر هر کجا ظالمی است
- ب) چو کاری برآید به لطف و خوشی
- ج) مه نور از آن گرفت کز شب نرمید
- د) سنگ دل را سرمه کن در آسیای رنج و درد
- ه) ای بدی که تو کنی در خشم و جنگ
- و) به نرمی ز دشمن توان کرد دوست

(۴) ب - د - و

(۳) ب - ج - ه

(۲) د - ه - الف

(۱) و - ب - ج

۲۰۶۵- آرایه نوشته شده در مقابل همه گزینه ها به جز گزینه درست است.

- | | |
|---|---|
| (۱) ز دین فروشی اهل ریا نفهمیدیم | کجا گناه گناه است و کی ثواب ثواب (مجاز) |
| (۲) از می و مطرب مکن، مدعیا منع من | تا غزلی تر بود، قول تو خواهم شنید (حسن آمیزی) |
| (۳) گر تو چو شمع گشی، از تو نخواهم نشست | ور تو به تیغم زنی، از تو نخواهم بُرید (تشبیه) |
| (۴) دید میان دل و دیده که خون است، اشک | جست برون زان میان، رفت و کناری گزید (استعاره) |

(پوارد همین المپیاد ادبی +)

۲۰۶۶- کدام آرایه در بیت زیر وجود ندارد؟

- «آشنایان ره عشق در این بحر عمیق»
 (۱) تناقض (۲) تناسب (۳) جناس (۴) ایهام تناسب

(دوازدهمین المپیاد ادبی)

۲۰۶۷- در همه بیت ها هر دو آرایه «جناس و مجاز» وجود دارد، به جز بیت

- | | |
|-----------------------------------|----------------------------------|
| (۱) برآشفست ایران و برخاست گرد | همی هر کسی کرد ساز نبرد |
| (۲) سپید شد چو درخت شکوفه دار سرم | وز این درخت همین میوه غم است برم |
| (۳) گر نبندی زین سخن تو خلق را | آتشی آید بسوزد خلق را |
| (۴) موج ها خوابیده اند آرام و رام | طبل طوفان از نوا افتاده است |

۲۰۶۸- کدام گزینه فاقد «ایهام» است؟

- | | |
|---|------------------------------------|
| (۱) دیشب به خواب دیدم دوشم به دوش تو | امروز جان همی دهم از آرزوی دوش؟ |
| (۲) یک سر موی تو گر زان که به صد جان عزیز | همچو یوسف بفروشد هنوز ارزانی |
| (۳) چون لب لعل تو در چشم من آید چه عجب | گرم از چشم بیفتاد عقیق یمنی |
| (۴) گهی که جان رود از چشم ناتوان بیرون | گمان مبر که رود مهر او ز جان بیرون |

۲۰۶۹- کدام گزینه درباره آرایه های بیت زیر درست نیست؟

- «آب آتش می برد خورشید شب پوش شما
 (۱) واج آرای - تشخیص (۲) استعاره - ایهام تناسب (۳) تلمیح - تضاد (۴) حسن آمیزی - حسن تعلیل

۲۰۷۰- آرایه های موجود در بیت زیر، در کدام گزینه آمده است؟

- «عشق رخت دولتی است باقی و باقی فنا
 (۱) تشبیه - تضاد - جناس همسان (۲) جناس ناهمسان - کنایه - تشخیص (۳) تضاد - جناس همسان - حسن تعلیل (۴) استعاره - تشبیه - تکرار

(کانون فرهنگی آموزش ۹۶)

۲۰۷۱- آرایه های مقابل همه ابیات به جز گزینه تماماً صحیح هستند.

- | | |
|---------------------------------------|--|
| (۱) سیلاب سرشک از غم هجران توأم دوش | تا دوش بُد، امروز به بالای سر آمد (تشبیه - جناس) |
| (۲) همی برون جهد از آسمان ستاره به شب | ز بیم تیرت و بر قول من دلیل، شهاب (حسن تعلیل - تشخیص) |
| (۳) آن کس که به دست جام دارد | سلطانی جیم مدام دارد (کنایه - ایهام تناسب) |
| (۴) کم نشد از گریه مستانه، خواب غفلتم | سیل نتوانست کند از جای خود این سنگ را (تضاد - استعاره) |

۲۰۷۲- در ابیات زیر به ترتیب چند «جناس» و چند «تناقض» وجود دارد؟

- | | |
|---------------------------------------|-------------------------------------|
| (الف) کس در جهان نبود مگر یار من ولیک | بس در جهان بگشتم و او در جهان نبود |
| (ب) منم که در وطن خویشتن غریبم و زین | غریب تر که هم از من غریب تر وطنم |
| (ج) دل و جان وقف حریم حرم او کردیم | و اعتماد از دو جهان بر کرم او کردیم |
| (د) تا چند به شادی می غم های تو نوشم | از خلق جهان کسوت سودای تو پوشم |
| (۱) هفت - سه | (۳) چهار - دو |
| (۲) پنج - دو | (۴) شش - سه |

۲۰۷۳- کدام گزینه درباره آرایه های بیت زیر تماماً درست است؟

- «مقصد و مقصود دل، جز دهن تنگ او نیست دریغا که هست، مقصد دل ناپدید»
 (۱) جناس - تضاد - مجاز - تشخیص (۲) حسن تعلیل - کنایه - تکرار - واج آرای
 (۳) پارادوکس - جناس - استعاره - تضاد (۴) تضاد - جناس - واج آرای - اغراق

(هنر ۹۰)

۲۰۷۴- آرایه های بیت زیر کدام است؟

- «کلک حافظ شکرین میوه نباتی است، بچین»
 (۱) تشبیه - کنایه - مجاز - استعاره (۲) مجاز - حسن آمیزی - تشبیه - جناس
 (۳) کنایه - مراعات نظیر - جناس - تشخیص (۴) استعاره - مراعات نظیر - حسن آمیزی - تشخیص

۲۰۷۵- یکی از آرایه‌های نوشته‌شده در مقابل کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) دل داده‌ام بر باد، بر هر چه بادا باد
- (۲) هفتاد پشت ما از نسل غم بودند
- (۳) ای عشق از آتش، اصل و نسب داری
- (۴) هر قصر بی‌شیرین، چون بیستون ویران

موی ۲۰۷۶- آرایه نوشته‌شده در مقابل کدام گزینه درست است؟

- (۱) ای لب‌ت باده‌فروش و دل من باده‌پرست
- (۲) آن‌چنان در دل تنگم زده‌ای خیمه‌انس
- (۳) تو مپندار که از خود خبرم هست که نیست
- (۴) کار یاقوت تو تا باده‌فروشی باشد

موی ۲۰۷۷- در کدام بیت همه آرایه‌های «مراعات نظیر، استعاره، تشخیص و جناس» به کار رفته است؟

- (۱) آن که ندیده حسرتی در همه عمر خویشتن
- (۲) آن که به تیغ امتحان، ریخت به خاک خون من
- (۳) غنچه نوش‌خند او سوخت به یک تبسم
- (۴) خاک رهی گزیده‌ام، تا چه بزاید آسمان

موی ۲۰۷۸- آرایه‌های بیت زیر در کدام گزینه به‌درستی آمده است؟

- «ای چو دژه در بر آن روی زیبا، آفتاب از حجاب سایه زلف تو، پیدا آفتاب»
- (۱) جناس - حسن تعلیل - تشبیه - کنایه
 - (۲) تشبیه - تضاد - حس آمیزی - جناس
 - (۳) اغراق - جناس - تشخیص - تشبیه
 - (۴) تضاد - اغراق - تشبیه - جناس

موی ۲۰۷۹- اگر ابیات زیر را به ترتیب «استعاره، تلمیح، ایهام، حسن تعلیل و حس آمیزی» مرتب کنیم، گزینه درست است.

- (الف) ز شور زلف تو دوشم شبی دراز گذشت
 - (ب) زیر لب با ما حدیثی گو، که این بیمار را
 - (ج) در صفات عارضت، تا نقش می‌بندد خیال
 - (د) سرچشمه حیوان به دهان تو تشبه
 - (ه) سرو دید آن قد و رعنائی، از آن بالا گرفت
- (۱) ه - د - الف - ج - ب (۲) ب - ه - الف - د - ج (۳) ب - د - الف - ه - ج (۴) ب - د - ج - ه - الف

دور زبان فارسی

۲۰۸۰- همه گزینه‌ها به‌جز گزینه نقش تبعی «معطوف» دارند.

- (۱) مهتران در سخن آمدند و زمانی نومیدی نمودند از امیر و از استیلای این دو سپاه‌سالار.
- (۲) امیر گفت: «بدین مقدار شغل زشت و محال باشد تو را رفتن، که به خراسان فتنه است از چند گونه.»
- (۳) خواجه بدو نامه فرموده بود که: «قاضی شیراز چنین و چنین نیست و جواب چنین و چنین رفت.»
- (۴) این بزرگان چون نان بخوردند، برخاستند و به دیوان بازآمدند و بنشستند و دست بشتند.

(زبان ۸۹)

۲۰۸۱- در کدام عبارت «نقش تبعی» وجود ندارد؟

- (۱) نثر داستانی اکنون مهم‌ترین نوع ادبی اروپا و مهم‌ترین نوع ادبی جهان امروز است و خود اقسامی دارد.
- (۲) در نگاه نخست، طنز، برای شوخی و خنده است، ولی بعد روشن می‌شود که طنزنویس از نارسایی‌ها و ناروایی‌های جامعه رنج می‌برد.
- (۳) شعر انسانی به مسائل وطن‌پرستی، بشردوستی، مخالفت با استعمار و تسلط بیگانگان، محبت به فرزندان و خانواده و آزادی‌خواهی می‌پردازد.
- (۴) نکته مهمی که لزوم اخلاق جدید را مطرح می‌سازد، این است که اخلاق از بنیادهای اجتماعی است و دارای تمام خصوصیات این بنیادهاست.

۲۰۸۲- تعداد «معطوف» های کدام عبارت بیشتر است؟

- (۱) آزار و انکار مخالفان سبب شد که او نیز در طلب یار همدل و همدم خود، عازم دمشق شود.
- (۲) کوشش و جست‌وجوی مولانا به جایی نرسید و شمس را نیافت.
- (۳) عزم کرد که دیگر بدان شهر پرغوغا بازنیاید و جایی برود که از او خبری نشنوند و رفت.
- (۴) مریدان از تعطیل شدن مجالس درس، به خشم آمدند و مولانا را دیوانه و شمس را جادوگر خواندند.

۲۰۸۳- در عبارت «چون شمس را دید، نشان‌هایی از لطف الهی را در او یافت و دانست که او همان پیر و مرشدی است که سال‌ها در جست‌وجویش بود؛ از این رو، به شمس روی آورد و با او به صحبت و خلوت نشست و در خانه بر آشنا و بیگانه بست و تدریس و وعظ را رها کرد.» کدام واژه‌ها به‌ترتیب «معطوف به مسند» و «معطوف به مفعول» هستند؟

- (۱) پیر - تدریس (۲) خلوت - وعظ (۳) مرشد - تدریس (۴) مرشد - وعظ

۲۰۸۴- در همهٔ ابیات، واژه‌هایی که به یکدیگر عطف شده‌اند به‌درستی مشخص شده‌اند؛ به جز

- (۱) یار من باش که زیب فلک و زینت دهر
- (۲) دگر ز منزل جانان سفر مکن درویش
- (۳) طریق عشق پرآشوب و فتنه است ای دل
- (۴) با لبی و صد هزاران خنده آمد گل به باغ

- از مه روی تو و اشک چو پروین من است
- که سیر معنوی و کنج خانقاهت بس
- بیفتد آن که در این راه با شتاب رود
- از کریمی گویا در گوشه‌ای بویی شنید

۲۰۸۵- در کدام بیت‌ها بخش‌های مشخص شده به هم عطف نشده است؟

- (الف) ز آب روان و سبزه و صحرا و لاله‌زار
 - (ب) از دامن تر تو و هم‌صحبتان توس
 - (ج) پیر بودم ز جفای فلک و جور زمان
 - (د) صائب کسی که سر به گریبان خود کشید
 - (ه) به چشم عقل در این رهگذار پرآشوب
- (۱) ب - د - ه (۲) الف - ج - ه (۳) الف - ج - د (۴) ب - ج - د

۲۰۸۶- در کدام بیت نقش تبعی «تکرار» دیده نمی‌شود؟

- (۱) دلم گرفته ای دوست! هوای گریه با من
- (۲) کجا روم که راهی به گلشنی ندارم
- (۳) نه بستم به کس دل، نه بسته دل به من کس
- (۴) ز من هر آن که او دور، چو دل به سینه نزدیک

۲۰۸۷- در کدام بیت نقش تبعی «تکرار» وجود دارد؟

- (۱) آن روزگار کو که مرا یار یار بود
- (۲) پرتو مهرست یا مهر رخ زیبای یار
- (۳) می‌رفت و دل شکسته از پی
- (۴) مزن چندین جراحت بر دل تنگ

۲۰۸۸- در کدام بیت نقش تبعی «تکرار» وجود ندارد؟

- (۱) نرم شد نرم چرخ تیز و درشت
- (۲) در صدف جان ذری نیست به‌جز دوست دوست
- (۳) غمخوار توام غمان من من دانم
- (۴) نصیحت بین که آن هندو چه فرمود

۲۰۸۹- در گزینه نقش تبعی «بدل» دیده می‌شود.

- (۱) هنگامی که بهاء ولد، مناسک حج را به پایان برد، در بازگشت، به طرف شام روانه گردید.
- (۲) پادشاه سلجوقی روم، علاءالدین کیقباد از مقامات او آگاهی یافت، طالب دیدار وی گردید.
- (۳) جلال‌الدین، در هجده‌سالگی به فرمان پدر با «گوهرخاتون» سمرقندی ازدواج کرد.
- (۴) پس از درگذشت بهاء‌الدین، جلال‌الدین محمد به اصرار مریدان و شاگردان پدر، مجالس درس و وعظ را به عهده گرفت.

۲۰۹۰- در کدام عبارت، نقش تبعی «بدل» به کار نرفته است؟

- (۱) ناگهان آفتاب عشق و شمس حقیقت در برابرش نمایان شد؛ او شمس‌الدین تبریزی بود.
- (۲) سلطان ولد، فرزند مولانا، هر دم بی‌تابانه به بالین پدر می‌آمد و باز از اتاق بیرون می‌رفت.
- (۳) خواجه عبدالکریم، خادم خاص شیخ ما، ابوسعید بود.
- (۴) پدر جلال‌الدین، محمدبن حسین خطیبی، معروف به بهاء‌الدین ولد از دانشمندان روزگار خود بود.

۲۰۹۱- با توجه به بیت زیر، کدام موارد کاملاً درست است؟

- «گیرند مردم دوستان، نامهربان و مهربان»
- (الف) در بیت دو «واو» عطف وجود دارد.
- (ب) یک مسند در بیت وجود دارد.

- (ج) در بیت یک نقش تبعی یافت می‌شود.
- (د) در بیت یک صفت مبهم به چشم می‌خورد.
- (۱) الف - ب (۲) الف - ج (۳) ب - د (۴) ج - د

۲۰۹۲- در کدام بیت «نقش تبعی» یافت می‌شود؟

- (۱) حال چوگان، چون نمی‌دانی که چیست
- (۲) تو خود وصال دگر بودی ای نسیم وصال
- (۳) حریف، عهد مودت شکست و من نشکستم
- (۴) با پری‌رویان به خلوت روی در روی آوری

- ای نصیحت‌گو به ترک گوی گوی
- خطا نگر که دل امید در وفای تو بست
- خلیل بیخ ارادت برید و من نبردم
- خویش را دیوانه سازی و پری‌خوانی کنی

(انسانی ۹۸)

(قارچ از کشور ۹۵)

۲۰۹۳- در کدام عبارت، مضاف‌الیه دارای «بدل» است؟

- (۱) ویلیام بلیک شاعر و نقاش رومانتیک می‌گوید: «آن‌جا که شادی نباشد، انسان نیست.»
- (۲) عاقبت، یکشنبه، پنجم جمادی‌الآخر سال ۶۷۲ هجری قمری، خورشید عمر مولانا نیز از این جهان به جهان آخرت سفر کرد.
- (۳) سعدی‌نامه یا بوستان اثر ارجمند شاعر و نویسنده ایرانی، سعدی شیرازی است.
- (۴) این شیخ همیشه شایسته و پیرترین و جوان‌ترین شاعر زبان فارسی، هم هیبت یک آموزگار را دارد و هم مهر یک پرستار.

(زبان ۹۳)

۲۰۹۴- نقش «تبعی» در کدام گزینه با سایر گزینه‌ها تفاوت دارد؟

- (۱) امیر از آن جهان آمده، به خیمه فرود آمد و جامه بگردانید و تر و تباه شده بود و برنشست.
- (۲) گفت: بونصر را بگوی که امروز درستم و در این دو سه روز، بار داده آید که علت و تب تمامی زایل شد.
- (۳) این مرد بزرگ و دبیر کافی، به نشاط، قلم در نهاد تا نزدیک نماز پیشین از این مهمات فارغ شده بود.
- (۴) امیر را یافتم آن‌جا بر زتر تخت نشسته، مخنقه در گردن، عقدی همه کافور و بوالعلائی طبیب آن‌جا نشسته بود.

۲۰۹۵- در متن زیر، چند نقش «تبعی» وجود دارد؟

«جان لوئیجی بوفون، دروازه‌بان و کاپیتان تیم ملی ایتالیا و یوونتوس در ۱۴ نوامبر ۲۰۱۷ پس از حذف مقابل تیم ملی سوئد و جاماندن ایتالیا از جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه، با چشمانی گریان، از فوتبال ملی خداحافظی کرد.»

- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۲۰۹۶- کدام نقش‌های «تبعی» در متن زیر یافت می‌شود؟

«در کویر بیرون از دیوار خانه، پشت حصار ده، دیگر هیچ نیست. صحرای بی‌کرانه عدم است؛ خوابگاه مرگ و جولانگاه هول. راه، تنها به سوی آسمان باز است. آسمان، کشور سبز آرزوها، چشمه مواج و زلال نوازش‌ها، امیدها و انتظار! انتظار.»

- (۱) بدل - تکرار (۲) معطوف - بدل (۳) معطوف - تکرار (۴) تکرار - بدل - معطوف

۲۰۹۷- کدام بیت فاقد نقش تبعی «بدل» است؟

- (۱) ساقیا سایه ابر است و بهار و لب جوی
- (۲) بعید نیست که گر تو به عهد بازایی
- (۳) گرچه من بنده ندارم خدمتی از فضل خویش
- (۴) صد هزاران دل اسیر غمزه‌اش

(ریاضی ۹۳)

۲۰۹۸- در کدام بیت «نقش تبعی» یافت نمی‌شود؟

- (۱) تو خود چه لعبتی ای شهسوار شیرین‌کار
- (۲) امروز چنان بزی که فردا چو روی
- (۳) مشنو ای دوست که غیر از تو مرا یاری هست
- (۴) بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست

(هنر ۹۵)

۲۰۹۹- کدام بیت فاقد «نقش تبعی» است؟

- (۱) لاف زبم لاف که تو راست کنی لاف مرا
- (۲) شاباش زهی نوری بر کوری هر کوری
- (۳) آسمان خود کنون ز من خیره است
- (۴) بر زمین و چرخ روید مر تو را یاران صاف

(ریاضی ۹۶)

۲۱۰۰- در کدام سروده دو نوع «نقش تبعی» وجود دارد؟

- (۱) عاشقم، عاشق ستاره صبح / عاشق ابرهای سرگردان
- (۲) آتش زبم به خرمن امیدت / با شعله‌های حسرت و ناکامی
- (۳) ای مرغ دل که خسته و بی‌تابی / دمساز باش با غم او دمساز
- (۴) اکنون منم که در دل این خلوت و سکوت / ای شهر پرخروش، تو را یاد می‌کنم

۲۱۰۱- در بیت گزینۀ دو نوع «نقش تبعی» متفاوت یافت می‌شود.

- (۱) ما همچو غنچه یکدل و یکروی مانده‌ایم
- (۲) ز بس نشستم و با شب حدیث غم گفتم
- (۳) ز عمر، سهم بیشتر ریا نکرده شد به سر
- (۴) مخواه از عاشق و دیوانه خدمت

۲۱۰۲- تعداد نقش‌های «تبعی» در کدام بیت بیشتر است؟

- (۱) عشق دردانه است و من غوّاص و دریا میکده
- (۲) من کز همه حال و کارش آگاهم
- (۳) بلی توقع من بنده خود همین بوده است
- (۴) یا رب دوام عمر دهش تا به قهر و لطف

۲۱۰۳- چه تعداد از ترکیب‌های زیر «ترکیب اضافی» هستند؟

«ریشه ظلم - اظهار لطف - اتاق جلویی - فهرست اسم‌ها - نگاه گیرا - چهره سرباز - پیشگاه امپراتور - هنگام استراحت - حرارت بسیار - رمز عبور - تحولات داخلی»

(۱) پنج (۲) شش (۳) هفت (۴) هشت

۲۱۰۴- در عبارت «تاریخ‌نویس نباید تابع علایق خوانندگانی باشد که برای توضیح وضعیت تاریخی خود، اثر تاریخی می‌خوانند.» چند «ترکیب اضافی» وجود دارد؟

(۱) سه (۲) چهار (۳) پنج (۴) شش

۲۱۰۵- در کدام گزینه «مضاف» نقش «مفعولی» دارد؟

- (۱) در همین آن، صدای تیری شنیده شد و گلوله‌ای به بازوی راست گیلهمرد اصابت کرد.
- (۲) نفیر باد نعره‌های عجیبی را از قعر جنگل به سوی کومه همراه داشت.
- (۳) در همین لحظه کبریت آتش گرفت و نور زردرنگ آن، قیافه گیلهمرد را روشن کرد.
- (۴) باران می‌بارید. افق روشن می‌شد و ابرهای تیره کم‌کم باز می‌شدند.

۲۱۰۶- «ترکیب‌های اضافی» در کدام بیت، بیشتر است؟

- (۱) شعر حافظ در زمان آدم اندر باغ خُلد
- (۲) از دم صبح ازل تا آخر شام ابد
- (۳) رشته تسبیح اگر بگسست معذورم بدار
- (۴) حسن مهرویان مجلس گرچه دل می‌برد و دین

- دفتر نسرین و گل را زینت اوراق بود
- دوستی و مهر بر یک عهد و یک میثاق بود
- دستم اندر ساعد ساقی سیمین‌ساق بود
- بحث ما در لطف طبع و خوبی اخلاق بود

۲۱۰۷- کدام عبارت‌ها، از نظر تعداد «ترکیب‌های اضافی»، دویه‌دو برابر هستند؟

(الف) شمس از مردم تبریز بود و خاندان وی هم اهل تبریز بودند.

(ب) یاران مولانا هم که پژمردگی و دلتنگی او را در غیبت شمس دیده بودند، از کردار خود پشیمان شدند.

(ج) روزها به شغل تدریس می‌گذرانید و شاگردان و پیروان بسیاری از حضورش بهره می‌بردند و مردم روزگار بر تقوا و زهد او متفق بودند.

(د) دیار روم از تاخت‌وتاز سپاه مغول برکنار بود و پادشاهی دانا و صاحب‌بصیرت و عالم‌پرور و محیطی آرام و آزاد داشت.

(ه) او برای کسب علوم و معارف، بسیار مسافرت کرد و از مشایخ فراوانی بهره برد.

(۱) (الف - ه) - (ج - د)

(۲) (الف - ه) - (ب - ج)

(۳) (الف - د) - (ب - ج)

(۴) (ب - د) - (الف - ج)

۲۱۰۸- در عبارت «یکی از عللِ واپسماندگی صنعتی کشورهای کم‌رشد این واقعیت است که طبقات مالک بومی ترجیح می‌دهند پول‌های خود را در اموال غیرمنقول، بازرگانی یا معاملات سوداگرانه سرمایه‌گذاری کنند تا این‌که به ساختمان صنعت مدرن بپردازند.» به ترتیب چند

«ترکیب وصفی» و چند «ترکیب اضافی» وجود دارد؟

(۱) هفت - پنج (۲) هشت - چهار
(۳) شش - هفت (۴) نه - شش

۲۱۰۹- در کدام بیت ضمیر پیوسته در نقش مفعولی به کار رفته است؟

- (۱) مرو از پی هر چه دل خواهدت
- (۲) قبا بست و چابک نوردید دست
- (۳) ز مهرش بگردان چو پروانه پشت
- (۴) ز لعل این سنگ‌ها بیرون می‌فکن

- که تمکین تن نور جان کاهدت
- قبایش دریدند و دستش شکست
- که مقراض (= قیچی)، شمع جمالش بکشت
- به خاک افکندی‌ام در خون می‌فکن

۲۱۱۰- با توجه به بیت زیر، کدام گزینه درست است؟

«ساقی بیا که هاتف غیبم به مژده گفت

(۱) کلمات «ساقی» و «هاتف» به‌ترتیب نهاد و منادا هستند.

(۳) در بیت، یک نقش تبعی وجود دارد.

(۲) ضمیر «م» نقش متمم دارد.

(۴) در بیت، دو مفعول و یک مسند وجود دارد.

۲۱۱۱- مضاف ضمیرهای پیوسته «ت» در مصراع اول، در کدام گزینه درست است؟

«بختم به سودای تنت، ره می‌زند سوی منت

(۱) تن - من (۲) سودا - ره (۳) تن - ره (۴) سودا - من

تا آورد در گردنت، دستی که بر سر می‌زند»

۲۱۱۲- کتاب «زندگانی جلال‌الدین محمد مشهور به مولوی» اثر کیست؟

(۱) بدیع‌الزمان فروزانفر (۲) لطفعلی صورتگر (۳) عبدالحسین وجدانی (۴) مجید واعظی

۲۱۱۳- محمدبن منور خالق کدامیک از آثار زیر است؟

(۱) تاریخ بیهقی (۲) تحفة الاحرار (۳) بهارستان (۴) اسرار التوحید

۲۱۱۴- محمدبن حسین خطیبی نام کدامیک از عرفای زیر است؟

(۱) بهاء ولد (۲) شمس (۳) سلطان ولد (۴) مولوی

۲۱۱۵- جلال‌الدین محمد مولوی در هنگام خردسالی با کدام عارف دیدار کرد و او کدام کتاب را به جلال‌الدین هدیه داد؟

(۱) سعدی - گلستان (۲) عراقی - الهی‌نامه (۳) سنایی - الهی‌نامه (۴) عطار - اسرارنامه

۲۱۱۶- جلال‌الدین محمد مولوی در قرن در شهر به دنیا آمد.

(۱) هشتم - سمرقند (۲) هشتم - بخارا (۳) هفتم - بلخ (۴) هفتم - قونیه

۲۱۱۷- کدام پادشاه از بهاء‌الدین ولد، پدر مولانا خواست تا در قونیه اقامت کند؟

(۱) سلطان مسعود (۲) محمد خوارزمشاه (۳) علاء‌الدین کیقباد (۴) جلال‌الدین منکبرنی

۲۱۱۸- «پرنده» لقب کدام عارف ایرانی بوده است؟

(۱) مولانا جلال‌الدین (۲) شمس‌الدین تبریزی (۳) بهاء‌الدین ولد (۴) سلطان ولد

۲۱۱۹- با توجه به زندگی‌نامه مولانا، کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) از شاعران و عارفان هم‌روزگار مولانا می‌توان به سعدی و فخرالدین عراقی اشاره کرد.
- (۲) پدر جلال‌الدین، محمدبن حسین خطیبی معروف به بهاء‌الدین ولد از دانشمندان روزگار خود بود.
- (۳) دیدار شمس و مولانا در سال ۶۴۲ هجری قمری اتفاق افتاد، یعنی در ۳۸ سالگی مولانا.
- (۴) صلاح‌الدین زرکوب از مولانا درخواست کرد کتابی [برای هدایت مریدان] به طرز بوستان سعدی به نظم درآورد.

۲۱۲۰- نام آثار «سنایی، عطار» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

(۱) لیلی و مجنون - الهی‌نامه (۲) اسرارنامه - الهی‌نامه
(۳) تذکرة الاولیا - منطق‌الطیر (۴) الهی‌نامه - منطق‌الطیر

موی ۲۱۲۱- اگر دو بیت زیر، ابیات آغازین یک قطعه شعر باشد، با توجه به درون‌مایه، قالب و وزن آن، این دو بیت از کتاب، سروده برگرفته شده است.

«بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست
ای آفتاب حسن، برون آدمی ز ابر
بگشای لب که قند فراوانم آرزوست
کان چهره مُشعشع تابانم آرزوست»
(۱) لیلی و مجنون - نظامی
(۲) مثنوی معنوی - مولوی
(۳) غزلیات شمس - مولوی
(۴) فرهاد و شیرین - وحشی بافقی

موی ۲۱۲۲- پدیدآورندگان آثار «تذکرة الاولیا - مرصادالعباد - تحفة الاحرار» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

(۱) جامی - سنایی - وحشی بافقی (۲) خواجه عبدالله انصاری - نجم رازی - جامی
(۳) عطار - نجم رازی - جامی (۴) سنایی - عطار - محمدبن منور

موی ۲۱۲۳- نویسنده یا سراینده چند مورد از آثار زیر درست نیست؟

(بوستان: سعدی) - (فرهاد و شیرین: نظامی) - (تحفة الاحرار: اوحدی) - (اسرارنامه: عطار) - (الهی‌نامه: سنایی) - (منطق‌الطیر: جامی)
(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۲۰۱۹- گزینۀ «۴» واژه‌هایی که نادرست معنا شده‌اند به همراه معنی

صحیح آن‌ها:

محضر: محل حضور، در متن درس، مجازاً به معنی مجلس درس یا مجلسی که در آن، سخنان قابل استفاده گفته می‌شود. (کبریا به معنی «بارگاه خداوندی» است). - کبریا: بارگاه خداوندی (افلاک جمع فلک و به معنی «آسمان» است). - قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ العزیز: خداوند، روح عزیز او را پاک گرداند. («پاک و منزه است خدا» معنای اصطلاح **سُبْحَانَ اللَّهِ** است).

۲۰۲۰- گزینۀ «۳» غلط‌های املایی و شکل صحیح آن‌ها:

گزینۀ (۱): **نواهی** ← **نواحي**؛ **نواهی**، جمع نهی و ناهیه و به معنی «نهی شده‌ها و امور ممنوعه» است و **نواحي**، جمع ناحیه. با توجه به معنای عبارت و همراهی کلمات طرف شام، روانه گردیدن، متوجه می‌شویم که نواحي صحیح است.

گزینۀ (۲): **زهد** ← **زهد**؛ **پارسایی**، پرهیزگاری

گزینۀ (۴): **پژمرده‌گی** ← **پژمردگی**

مناسک: جمع منسک، اعمال عبادی، آیین‌های مذهبی - **متفق:** همسو و هم‌عقیده، موافق - **افغان:** ناله و زاری

۲۰۲۱- گزینۀ «۲» غلط‌های املایی موجود در متن و شکل صحیح آن‌ها:

غوقا ← **غوغا**؛ **هیاهو**، فریاد و آشوب، بانگ و خروش

خواست ← **خواست**؛ **تقاضا**، طلب کرد، درخواست نمود (خواست یعنی برپا شد، بلند شد، پدید آمد)

خُرد ← **خُرد**؛ **کوچک**، اندک، ناچیز و حقیر (**خورد**: خوردن، طعام و خوراک)

تَها: رونق، درخشش، پرتو و جلوه - **إصرار:** پافشاری، ایستادگی و دوام در امری، سماجت (**أسرار:** جمع سر، رازها، رموز) - **وعظ:** اندرز، پنددادن - **محضر:** محل حضور، درگاه - **حُسام:** شمشیر تیز، شمشیر بزان - **طرز:** طریق، نمط، روش، شیوه - **منطق الطیر:** زبان مرغان - **خصمان:** دشمنان و بدخواهان

۲۰۲۲- گزینۀ «۲» **سلاح** به معنی «ابزار جنگ» است و **صلاح** به معنی «پارسایی، پرهیزگاری، نیکی و زهد»؛ **گوشه‌نشینان صلاح** یعنی کسانی که به قصد زهد و پارسایی و برای دورماندن از گناه، گوشه‌نشینی اختیار کرده‌اند. درخواست هم تناسب معنایی صحیحی با بیت ندارد و **برخواست** به معنی «از میان رفتن، زایل و نابود شدن» جایگزین صحیح و مناسبی است: عشق و شیدایی غلبه یافت و آوازه و شهرت پاکدامنی و پرهیزگاری گوشه‌نشینان عابدان پارسا بر باد رفت.

غالب: چیره، مسلط - **مستوری:** پوشیدگی، مجازاً عفاف و پاکدامنی و پرهیزگاری - **ناموس:** آبرو، اعتبار، آوازه، شهرت

۲۰۲۳- گزینۀ «۳» **الهان** در این بیت، املای نادرستی دارد و صورت صحیح این کلمه **الحان** است، به معنی «آوازه‌ها، صوت‌ها».

معنی مصراع دوم بیت (۳): که از زبان پرندگان اصوات و آوازه‌های خوش و دلکش بیرون می‌آید.

تَها: رونق

گزینۀ (۱): **الست:** مأخوذ از آیه «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ؟ قَالُوا بَلَىٰ...» که اشاره دارد به عهد الست یا پیمانی که خدا در روز الست از ارواح بنی آدم گرفت - **قالب:** شکل، پیکر، جسم (**غالب:** چیره، مسلط) - **لقا:** دیدار، روی، چهره

گزینۀ (۲): **حور:** مرد و زن سیاه‌چشم؛ **حور** در عربی جمع «أحور و حوراء» است، ولی در فارسی به معنای مفرد به کار می‌رود. (**هور:** خورشید) - **قصور:** جمع قصر (در مصراع دوم به معنای «کوتهای کردن و تقصیر» به کار رفته است) - **محض:** صرف، خالص، پاک - **صنم:** بت، دلبر، معشوق زیبارو

گزینۀ (۳): **صدر:** صدر و بالای مجلس، پیشگاه - **رضوان:** بهشت، نگهبان بهشت، صُقه؛ ایوان، شاه‌نشین

گزینۀ (۴): **متبوع:** پیروی‌شده (**مطبوع:** مطلوب، پسندیده) - **تابع:** پیرو، فرمان‌بردار، مطیع

معنی بیت: «ای صائب! برگ حسن و جمال آدمی همواره سبز و خرم باقی نمی‌ماند و بالاخره روزی نیز زایل و پژمرده می‌شود؛ همان‌طوری که هر اطاعت‌شده و حاکمی، روزی فرمانبر و مطیع خواهد شد.»

درس ششم: دکوی عاشقان

۲۰۱۶- گزینۀ «۳» **مرید** یعنی «پیرو، دنباله‌رو، شاگرد» (= سالک).

مرشد (= پیر، مُراد) مقابل **مُرید** (= سالک) است.

۲۰۱۷- گزینۀ «۲» **زهد:** پارسایی، پرهیزگاری («پنددادن» در گزینۀ (۱))

و «اندرز» در گزینۀ (۳) معنای واژه **وعظاند** - **عازم:** رهسپار، راهی، روانه - **شیگرد:** شبرو، داروغه و نگهبان، دزد و عتیار («گدا» در گزینۀ (۴)) از معانی **شیگرد نیست!** - **ملک:** فرشته (این واژه را با **ملک** «شاه و سلطان»، **ملک** «عظمت و پادشاهی» اشتباه نگیریم).

۲۰۱۸- گزینۀ «۱» **در «ب»** **شریعت** به معنی «شرع، آیین، راه دین»

و مقابل **طریقت** است. در «د» نیز، **نیکوسیرت** (خوش‌باطن، خوش‌خلق و خو)

معنی **خوش‌لقا** نیست. (**خوش‌لقا** یعنی زیبارو، خوش‌سیما، خوش‌چهره)



۲۰۲۴- گزینۀ «۴» عزم به معنای «ارادهٔ استوار، نیت» صحیح است: برای [عبور از] چنین دریای هولناکِ بی‌کران، کشتی‌ای از دانش و ارادهٔ والا بایسته و نیاز است.

۲۰۲۵- گزینۀ «۴» طعن و ملامت صحیح است. (طعن: طعنه‌زدن، ملامت کردن، سرزنش و عتاب)

۲۰۲۶- گزینۀ «۱» در بیت «ب» اصرار (پافشاری کردن در امری) تناسب معنایی صحیحی برقرار نمی‌کند و با توجه به معنای بیت، به‌ویژه مصراع دوم، آسرار جمع سَر و به معنای «رازها، رموز» صحیح است. در بیت «د»، معنای مصراع دوم و غریق بودن در بحر، آشکارا نشان می‌دهد که بحر (دریا) مناسب و صحیح است نه بهر! (بهر: برای، به‌خاطر). در بیت «ه» دقت بیشتری نیاز داریم تا با توجه به معنای کلی بیت دریا بهیم که شاعر، طبع (ذوق و قریحهٔ) خود را به عروسی مانند کرده است و می‌گوید: با اندیشه‌های پکر و بدیع خود، طبع و ذوق شعری خود را که همچون عروسی است، آرایش می‌کنم و زینت می‌دهم تا شاید به واسطهٔ چرخش و بازی‌های روزگار، معشوق زیبارویی به جنگ افتد. (تبع به معنای «تبعیت و پیروی» است).

۲۰۲۷- گزینۀ «۳» در این گزینۀ، املائی همهٔ کلمات صحیح است. غلط‌های املائی موجود در گزینۀ‌ها و شکل درست آن‌ها: گزینۀ «۱»: عبدالملک ← عبدالملک (دقت کنیم که نگارش کلماتی از قبیل: منطق‌الطیر، بهاء‌الذین، اولوالامر، لباب‌الالباب (مغز مغزها؛ نام کتابی است)، اولی‌الابصار «صاحبان بینش و معرفت»، اولی‌الالباب و ... صرفاً به همین صورت صحیح است و نوشتن آن‌ها با اشکال منطق‌الطیر، لباب‌الالباب، اولی‌لابصار و ... غلط املائی محسوب می‌شود!

گزینۀ «۲»: غربت ← قربت: نزدیکی، نزدیکی در مکان و منزلت (غربت یعنی دوری، غریب‌گشتن). «هر دو به مزید قربت از دیگر خواص خدم مرتبهٔ تقدّم‌یافته»؛ یعنی هر دو [اشغال] از جهت تقوّت و نزدیکی به شیر از دیگر خادمان خاص پیشی گرفته بودند و مقامشان از همهٔ آن‌ها بالاتر رفته بود. گزینۀ «۴»: طریقت ← طریقت: روش اهل صفا و سلوک، مذهب و سیرت

گزینۀ «۱»: مناسک: جمع منسک، اعمال عبادی، آیین‌های دینی - فارغ: آسوده (فارغ: جداکننده)

گزینۀ «۲»: طبع: سرشت، ذات و نهاد، طبیعت، خو (تبع: پیروی) - انیس: همدم، همنشین، خوگرفته و مألوف - آسرار: جمع سرّ، رازها گزینۀ «۳»: روضه: باغ، گلزار و واعظ: اندرزگو، پنددهنده - بسط: گشایش حال، انبساط خاطر عارف، مقابل قبض - قبض: گرفتگی خاطر، ناخوشی - غالب: چیره، مسلط (قالب: شکل، هیئت)

گزینۀ «۴»: سیرت: باطن، طریقه، روش، خو - مرضی: مورد رضایت، پسندیده (مرزی: منسوب به مرز) - صواب: درست، صحیح (ثواب: اجر، پاداش)

۲۰۲۸- گزینۀ «۴» واژه‌هایی که نادرست معنی شده‌اند به همراه معنای صحیح آن‌ها: گزینۀ «۲»: درنگ: توقف و آهستگی، سکون، ضدّ شتاب (بی‌درنگ یعنی فوراً، درحال)

گزینۀ «۳»: ملامت: سرزنش، نکوهش، طعن و عتاب (ملایمت به معنای «نرمی و مهربانی» است). گزینۀ «۴»: دوش: دیشب، شانه و کتف (دی معادل «دیروز» است).

۲۰۳۰- گزینۀ «۳» حریف در این گزینۀ به معنای «هم‌نبرد، رقیب و هم‌اورد» است، در حالی که در سایر گزینۀ‌ها در معنای «یار و همدم» به کار رفته است.

۲۰۳۱- گزینۀ «۴» معنای درست واژه‌هایی که نادرست معنا شده‌اند: گزینۀ «۱»: مناسک: جمع منسک؛ جاهای عبادت حاجیان، اعمال عبادی، آداب و آیین‌های دینی

گزینۀ «۲»: نماز پیشین: نماز ظهر گزینۀ «۳»: عقد: گردن‌بند (عقد: پیمان، پیمان‌بستن) ۲۰۳۲- گزینۀ «۲» بخاستم یعنی «برپا شدم، بلند شدم»، پس تناسب و ارتباطی با عبارت ندارد و بخواستم به معنای «درخواست کردم، طلبیدم» باید جایگزین آن شود.

گزینۀ «۱»: متفق: همسو، موافق، هم‌عقیده - سیاحت: سیر و گردش - موافقت: همراهی، همسفر بودن - مصاحبت: هم‌صحبتی، همدمی گزینۀ «۲»: قاعده: روش، قانون، اصل - بگزاردم: به جای آوردم، ادا کردم - جسارت: دلیری، بی‌باکی و گستاخی معنای رایج مصدر گزاردن: به جای آوردن و ادا کردن، رساندن و بیان کردن، پرداختن، تفسیر و تعبیر کردن معنای رایج مصدر گزاردن، گذاشتن: نهادن و قراردادن، اجازه‌دادن و رها کردن، سپری کردن

گزینۀ «۳»: ثنا: تحسین و ستایش و تمجید (سنا: نور، روشنایی) - اصوات: جمع صوت - الحان: جمع لحن، آوازها - مسامع: جمع مسمع و مسمعه: گوش‌ها - قدس: پاکی - آنس: خو گرفتن گزینۀ «۴»: موضع: جا، مکان - زُهاد: جمع زاهد، پارسایان، پرهیزگاران - صلاح: خیر، نیکی (سلاح: ابزار جنگ و نزاع) - عزیمت: آهنگ، قصد و اراده، عزم - مقرون: پیوسته، همراه

۲۰۳۳- گزینۀ «۳» مزلت به معنای «لغزش، لغزشگاه» است و مذلت به معنای «خواری، پستی، زبونی و فرومایگی»؛ با توجه به معنای بیت و همراهی کلمهٔ خواری، مذلت صحیح و مناسب است: اگر در نزد و نظر یار، چنین خوار و حقیر نبودم، در هجر و فراق او این‌قدر زبونی و عذاب و خواری نمی‌کشیدم (این‌قدر خواری نصیب نمی‌شد).

۲۰۳۴- گزینۀ «۳» نگزارد به معنای «به جای نیاورد، ادا نکند، نپردازد» از مصدر گزاردن، تناسبی با عبارت ندارد و نگذارد، از مصدر گذاشتن باید جایگزین آن شود: «جانب خرم مُهمَل نگذارد» یعنی جانب احتیاط و دوراندیشی را ترک و رها نکند (جانب احتیاط را در نظر بگیرد). با در نظر گرفتن معنای جملات آخر و حضور واژه‌های نوا، نواخته، الحان و ...، درمی‌یابیم که صغیر (بانگ و صدای بلند) صحیح است نه سفیر (فرستاده). وذر هم با املائی نادرستی آمده که شکل صحیح آن، وزر به معنای «گناه» است. ۲۰۳۵- گزینۀ «۱» نواهی به معنای «نهی‌کننده، آن‌چه که در شرع ممنوع باشد» در عبارت «و این موضع محلّی بود از نواهی شرق ...» کاربرد صحیح و مناسبی ندارد و نواهی به معنای «اطراف و اکناف» باید جایگزین آن شود. نقض به معنای «شکستن، شکستن عهد و پیمان» است و نغز به معنای «نیکو، خوش، دلکش و جذاب»، ملاحظه می‌کنید که نغز مناسب عبارت «مقامی دلکش و نغز دید و فضایی خرم و سبز» است نه نقض! عظیمت نیز در این متن املائی نادرستی دارد و صورت صحیح آن عزیمت است به معنای «اراده، قصد».

۲۰۳۵- گزینۀ «۱» نواهی به معنای «نهی‌کننده، آن‌چه که در شرع ممنوع باشد» در عبارت «و این موضع محلّی بود از نواهی شرق ...» کاربرد صحیح و مناسبی ندارد و نواهی به معنای «اطراف و اکناف» باید جایگزین آن شود. نقض به معنای «شکستن، شکستن عهد و پیمان» است و نغز به معنای «نیکو، خوش، دلکش و جذاب»، ملاحظه می‌کنید که نغز مناسب عبارت «مقامی دلکش و نغز دید و فضایی خرم و سبز» است نه نقض! عظیمت نیز در این متن املائی نادرستی دارد و صورت صحیح آن عزیمت است به معنای «اراده، قصد».

۲۰۳۵- گزینۀ «۱» قرین: همراه، پیوسته - خُرد: کوچک، حقیر، اندک - رأفت: مهربانی، شفقت - تفرّج: سیر و تفریح، گردش - نُزّهت: خوشی، خرمی، پاکی و پاکیزگی - نهر: جوی، رود - مرغزار: سبزه‌زار، علفزار - روضهٔ رضوان: باغ بهشت - معظّم: بزرگ و عظیم، که غالباً در مورد اشیا و شهرها و کشورها به کار می‌رود (معظّم: بزرگ داشته‌شده که در باب اشخاص و افراد به کار می‌رود). - خاست: پدید آمد، به وجود آمد، ظاهر گشت، برپا شد (خواست یعنی طلبید، تقاضا کرد، اراده، عمارت: بنا، ساختمان (امارت به معنای «فرمانروایی و حکمرانی» است).

۲۰۳۶- گزینۀ «۱» در گزینۀ (۱) سخن از شق القمر کردن پیامبر اکرم (ص) است، ولی سایر گزینه‌ها انسان را به عروج و تعالی فرامی‌خواند.

۲۰۳۷- گزینۀ «۳» مفهوم عبارت سؤال این است که ناله عاشق دل‌های عاشقان را به آتش می‌کشد و همگان را به ناله می‌آورد. در گزینۀ (۳) نیز سخن از این است که ناله جان‌سوز عاشق که از آتش عشق او زبانه کشیده، همه‌جا را فرا گرفته است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینۀ (۱): کسی که عاشق نیست درد عاشق را نمی‌فهمد.

گزینۀ‌های (۲) و (۴): سوختن عاشق در آتش عشق و فراق

۲۰۳۸- گزینۀ «۲» در عبارت سؤال سخن از این است که مولانا به سرزنش و ملامت دیگران توجهی نمی‌کرد و بدون اعتنا به آن‌ها غزل‌شور انگیز خود را می‌سرود. در گزینۀ (۲) نیز صحبت از عشق‌ورزیدن و پاک‌نداشتن از طعنه دیگران است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینۀ (۱): از تقدیر و سرنوشت نمی‌توان رهایی یافت (تقدیر گرایی): من مست را به‌خاطر نامه سیاه اعمالم ملامت نکن، معلوم نیست که تقدیر هر کس چگونه رقم خورده است.

گزینۀ (۳): در عین گوشه‌نشینی شور و غوغای من همه‌جا را گرفته است.

گزینۀ (۴): دشمن و ملامتگر خود را ستایش کردن

۲۰۳۹- گزینۀ «۲» مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینۀ (۲) بازگشت به اصل است و این که منزلگاه انسان عالم قدس است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینۀ (۱): بلندمرتبه‌گی مقام ممدوح: اگر پاسبان از پشت‌بام خانه تو سنگی را پایین بیندازد، آن سنگ بعد از هزار سال تازه به زحل - که مظهر ارتفاع و بلندی است - می‌رسد. (مرتبه تو بالاتر از زحل است.)

گزینۀ (۳): ناتوانی عقل در برابر عشق (تقابل عقل و عشق)

گزینۀ (۴): اثر گرفتن از محیط

۲۰۴۰- گزینۀ «۳» در گزینۀ (۳) همانند بیت سؤال عاشق از دیگران یاری می‌خواهد تا معشوق گریزان را به او بازآورند.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینۀ (۱): درخواست عنایت و توجه از معشوق

گزینۀ (۲): جانبازی عاشق

گزینۀ (۴): عاشق واقعی آن است که در فراق یار، عاشق بماند.

۲۰۴۱- گزینۀ «۳» مفهوم مشترک گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) دعا کردن و استمداد برای بازگشت معشوق است؛ اما در گزینۀ (۳) مفهوم اصلی سیر بودن از زندگی بدون معشوق است.

۲۰۴۲- گزینۀ «۱» مفهوم اصلی بیت سؤال درخواست تنها گذاشتن و رها کردن عاشق است. پس مفهوم مقابل آن می‌شود: رها نکردن و تنها نگذاشتن عاشق که در گزینۀ (۱) این مفهوم وجود دارد.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینۀ (۲): طلب کردن می برای رهایی یافتن از قید و بند خود

گزینۀ (۳): تنهایی و غمخوار نداشتن

گزینۀ (۴): آسایش نداشتن عاشق (عشق و آسایش طلبی جمع نمی‌شوند).

۲۰۴۳- گزینۀ «۳» در گزینۀ (۳) شاعر می‌گوید: عمر ما در جهان همانند بازی است، برای مرگ من از غم و درد بازوان خود را مکن و گریه و زاری نکن، بنابراین در این بیت هم مانند بیت سؤال به گریه نکردن برای مرگ توصیه شده است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینۀ (۱): روز شادمانی باید به یاد روز غم خود باشیم، زیرا که بعد از زندگانی، مرگ در پی خواهد آمد.

گزینۀ (۲): جانبازی عاشقانه: همگان با حسرت از این جهان می‌روند، غیر از کسی که در راه عشق جان خود را فدا کند.

گزینۀ (۴): مرگ عاشق حتی سنگ را هم به گریه درمی‌آورد: اگر در مرگ عاشق،

سنگ خون نمی‌گرید، پس چرا در بیستون لاله‌های سرخ‌رنگ به نشانه ماتم فرهاد درآمده است؟ در این بیت حسن تعلیل زیبایی وجود دارد.

۲۰۴۴- گزینۀ «۳» مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) شاگردی کردن در مکتب عشق در عین دانشمندی است و این که کسی که به عالم عشق رو می‌آورد علم و دانشش را فراموش می‌کند، حتی اگر علامه روزگار است. اما در گزینۀ (۳) سخن از این است که هر کس در مکتب عشق شاگردی کند استاد خواهد شد. در بیت دوم، منظور از «تخته»، لوحی است که کودکان بر آن الفبا را می‌نوشتند و برای پاک کردن، تخته را می‌شستند.

۲۰۴۵- گزینۀ «۳» مفهوم گزینۀ (۳) همانند عبارت صورت سؤال رفتار نادرست دیگران را با نرمی و مهربانی پاسخ‌دادن است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینۀ (۱): فارغ از مهر و کین بودن (دل‌برداشتن از دوستی‌ها و دشمنی‌ها): همان‌طور که آب، چه تیره باشد و چه روشن، سبب کدر شدن تصویر آینه می‌شود، بهتر است که انسان از مهر و کین فارغ باشد تا آینه دل او تیره نشود.

گزینۀ (۲): توصیه به تندی کردن با تندخویان

گزینۀ (۴): دل‌نشین بودن تندی‌ها و درشتی‌های زیبارویان

۲۰۴۶- گزینۀ «۴» مفهوم اصلی بیت سؤال بازگشت به اصل است؛ یعنی اصل انسان از عالم بالا است و به آن باز خواهد گشت که این مفهوم را در همه ابیات می‌توان دید به‌جز بیت گزینۀ (۴) که در آن شاعر به توصیف محل برگزاری جشن و بزم پرداخته است.

۲۰۴۷- گزینۀ «۴» مفهوم بیت سؤال بازگشت به اصل (تعلق روح انسان به عالم قدس) است، در گزینۀ (۴) هم «مرغ قدسی آشیان» به این مفهوم اشاره دارد که روح انسان متعلق به عالم قدس است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینۀ (۱): ستایش مقام والای ممدوح: خورشید در مقابل شکوه طلعت نورانی تو، به سجده می‌افتد.

گزینۀ (۲): تحسین قامت یار و جلوه او

گزینۀ (۳): ناتوانی اندیشه عاشق از شناخت معشوق

۲۰۴۸- گزینۀ «۳» مفهوم اصلی بیت سؤال این است که انسان عارف از مرگ و جدانشدن از جهان مادی غمی ندارد. در گزینۀ (۳) نیز سخن از این است که دل عاشق چنان از عشق یار پر شده است که دیگر از مردن و ترک جهان هراسی ندارد.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینۀ (۱): مرگ و زندگی هر دو تلخ و پر از درد هستند.

گزینۀ (۲): زندگی بعد از مرگ دشمن، دل‌نشین و مطلوب است.

گزینۀ (۴): در داغ عشق یار بلندبالا مردن

۲۰۴۹- گزینۀ «۲» در همه گزینه‌ها همانند بیت سؤال مفهوم اصلی این است که مرگ پایان زندگی نیست و انسان با مرگ به حیات جاودان می‌رسد. اما در گزینۀ (۲) سخن از این است که در این عالم جز دام و گرفتاری وجود ندارد.

۲۰۵۰- گزینۀ «۳» در آیه صورت سؤال و گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) سخن از نرمی کردن و مدارا با دشمن است. اما در گزینۀ (۳) برخلاف سایر گزینه‌ها مهربانی با دشمن کینه‌ور خطا دانسته شده است.

۲۰۵۱- گزینۀ «۱» مضمون مشترک ابیات این سؤال بدی را با نیکی پاسخ‌دادن است که در همه گزینه‌ها به‌جز گزینۀ (۱) وجود دارد. در گزینۀ (۱) صحبت از این است که با هر کس مطابق رفتار او رفتار کن است.

۲۰۵۲- گزینۀ «۲» مفهوم گزینۀ (۲) بدی را با بدی پاسخ‌دادن (مکافات کردن بدکرداران) است، در حالی که در سایر گزینه‌ها مفهوم جواب بدی را با نیکی دادن مشترک است.

۲۰۵۳- گزینۀ «۱» مفهوم عبارت سؤال این است که عشق و حقیقت صبر و تحمل به آدمی می‌بخشد. در گزینۀ (۱) نیز مفهومی متناسب با آن دیده می‌شود.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینۀ (۲): توصیه به صلح‌طلبی / با یک گل هم بهار می‌شود.

گزینۀ (۳): عاشق باید صبور و گوش به فرمان باشد (در این بیت برخلاف بیت سؤال شاعر می‌گوید: صبور باش تا بتوانی بار عشق را برداری.



اما در بیت سؤال سخن از این بود که عشق، صبر و شکیبایی می‌بخشد.

گزینۀ (۴): وصال معشوق، شب عاشق را روشن می‌کند.

۲۰۵۴- گزینۀ (۲) مفهوم بیت سؤال دروغین بودن وعده یار است. در

گزینۀ (۲) نیز همین مفهوم وجود دارد.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینۀ (۱): جفای معشوق و آزرده شدن دل عاشق

گزینۀ (۳): وفای عاشقان گذرا و ناپایدار نیست: وفا و پایبندی به عشق در میان عاشقان مانند عمر گل و عشق بلبل ناپایدار و زودگذر نیست.

گزینۀ (۴): درخواست وفاداری و توجه از معشوق / عاشق وفادار و امیدوار است.

۲۰۵۵- گزینۀ (۱) در همه گزینه‌ها مفهوم بازگشت به اصل (اصل انسان از عالم بالا است و به آن باز خواهد گشت) دیده می‌شود به جز گزینۀ (۱) که در آن شرط بلندمرتبه‌ی انسان ترک خود و افتادگی دانسته شده است.

۲۰۵۶- گزینۀ (۴) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینۀ (۴) بازگشت به اصل است و بر این نکته تأکید شده است که جایگاه انسان عالم خاک نیست. مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینۀ (۱): همه عالم ملک خداست و انسان عارف نیازی به منزل و مسکنی غیر از آن ندارد.

گزینۀ (۲): کوی دوست منزلگه جان عاشق و بهشت اوست.

گزینۀ (۳): در عین دوری در نظر یاران همدل جلوه داشتن: با آن که مانند پیراهن یوسف در سرزمین مصر هستم و از وطن خود دورم، در نظر یاران آشنای خود که مانند اهل کنعان هستند جلوه دارم.

۲۰۵۷- گزینۀ (۲) در عبارت سؤال تأکید بر این است که کاری کن تا از تو به نیکی یاد کنند و از تو حکایت کنند نه این که فقط به جمع آوری حکایت دیگران پردازی. در گزینۀ (۲) نیز سخن از به جا گذاشتن نام نیک است و با عبارت سؤال تناسب دارد.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینۀ (۱): جاودانگی عاشق (عاشق زنده ابد است).

گزینۀ (۳): اثر نداشتن همنشینی نیکان در بدن / تغییر ناپذیری ذات

گزینۀ (۴): هر کس نتیجه اعمال خودش را خواهد دید.

۲۰۵۸- گزینۀ (۲) در همه گزینه‌ها سخن از نالیدن عاشق است: پس باید به دنبال مفهوم دقیق‌تری باشیم که در سه گزینه باشد و در یک گزینه وجود نداشته باشد. مفهوم مشترک گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) این است که ناله عاشق دل‌های همگان را به آتش می‌کشد. اما مفهوم گزینۀ (۲) متفاوت است: اثر نداشتن ناله عاشق در دل معشوق.

۲۰۵۹- گزینۀ (۳) مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) بی‌توجهی عاشق به سرزنش و ملامت دیگران است. در گزینۀ (۳) مفهوم اصلی این است که کسی که از عشق آگاهی ندارد عاشقان را ملامت و سرزنش می‌کند.

۲۰۶۰- گزینۀ (۴) در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) سخن از این است که حیات انسان پس از مرگ هم ادامه دارد و مرگ پایان کار انسان نیست. در گزینۀ (۴) سخن از ادامه داشتن زندگی نیست و فقط مولوی تأکید کرده است: انسان عارف از مرگ و جدایی از عالم ماده غمگین نیست.

۲۰۶۱- گزینۀ (۴) در گزینۀ (۴) شاعر می‌گوید: دلم ادعای زیرکی داشت و محبوب آن را در زلف خود اسیر کرد و کشان کشان برد. پس سخن از گرفتار شدن دل عاشق در زلف یار است علی‌رغم ادعای زیرکی عاشق. در سایر گزینه‌ها مفهوم بازگشت به اصل مشترک است.

معنی گزینۀ (۳): ای دل الهی تو از عالم بالا هستی، این عالم مادی را به مردم وابگذار. ۲۰۶۲- گزینۀ (۲) در گزینۀ (۲) سخن از پلاکشی عاشق و وفاداری و پایبندی اوست. در سایر گزینه‌ها مفهوم بی‌وفایی معشوق محور کلام است.

۲۰۶۳- گزینۀ (۲) مفهوم گزینۀ (۲) حتمی بودن مرگ است و سعدی می‌فرماید: یک جام در برابر سنگ سالم نمی‌ماند، انسان مانند جام است و روزگار مانند سنگ. در سایر گزینه‌ها مفهوم غم‌ناشتن از مرگ مشترک است.

۲۰۶۴- گزینۀ (۱) ابیات «ب» «ج» و «و» در مفهوم مدارا و صلح و آشتی با همگان مشترک هستند و با عبارت سؤال تناسب مفهومی دارند.

مفهوم سایر ابیات:

«الف»: بر ستمگران نباید رحمت کرد.

«د»: با تحمل سختی‌ها دل نرم می‌شود و آماده کسب بصیرت می‌شود.

«ه»: خوش داشتن جفای معشوق (هر چه از دوست رسد نیکوست)

۲۰۶۵- گزینۀ (۱) در این گزینه، همه واژگان در معنی حقیقی خود به کار رفته‌اند و بیت فاقد مجاز است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینۀ (۲): حس آمیزی: «غزل تر» ترکیب دو حس شنوایی و لامسه است. / گزینۀ (۳): تشبیه: من به شمع / گزینۀ (۴): استعاره: به اشک توانایی دیدن نسبت داده شده، پس بیت تشخیص و استعاره دارد.

معنی گزینۀ (۴): اشک وقتی دید که میان دل و دیده خون است، از آن میان بیرون جست و به کناری رفت.

۲۰۶۶- گزینۀ (۳) تناقض: غرقه گشتن و در عین حال به آب آلوده نشدن / تناسب: بحر، آب و غرقه / ایهام تناسب: «آشنا» دو معنی دارد: آگاه و باخبر، شنواری. در معنی «شنواری» قابل جای گذاری در بیت نیست؛ اما با بحر و آب تناسب دارد و ایهام تناسب می‌سازد. این بیت دارای جناس نیست.

۲۰۶۷- گزینۀ (۴) در گزینۀ (۱) «ایران» مجاز از «مردم ایران» است و بین «گرد» و «کرد» جناس ناهمسان برقرار است. در گزینۀ (۲) «سر» مجاز «موی سر» است (زیرا موی سر سفید می‌شود، نه خود سر) و بین «سر» و «بر» جناس ناهمسان وجود دارد. در گزینۀ (۳) «خلق» مجاز از «دهان» است و بین «خلق» و «خلق» جناس ناهمسان آشکار است. در گزینۀ (۴) بین «آرام و رام» جناس ناهمسان وجود دارد، اما خبری از مجاز در این بیت نیست.

۲۰۶۸- گزینۀ (۴) در این گزینه واژه «مهر» ایهام ساز است؛ اما در این بیت فقط به معنی «محبت» به کار رفته است و در معنی «خورشید» قابل قبول نیست.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینۀ (۱): واژه «دوش» در انتهای بیت، در هر دو معنی «دیشب» و «کتف و شانه» قابل جای گذاری است؛ پس ایهام دارد.

گزینۀ (۲): «عزیز» با هر دو معنی «گرامی، محبوب» و «عنوان پادشاهان مصر باستان» در بیت قابل جای گذاری است؛ در نتیجه ایهام دارد.

گزینۀ (۳): «عقیق یمنی از چشم من افتاد» حاوی دو معنی است: ۱- عقیق یمنی (= استعاره از اشک خونین) از چشمان من سرازیر شد. ۲- عقیق یمنی در نظر من بی اعتبار شد.

۲۰۶۹- گزینۀ (۴) در بیت نه حس آمیزی به کار رفته است و نه حسن تعلیل دیده می‌شود.

بررسی آرایه‌های سایر گزینه‌ها:

گزینۀ (۱): واج آرایی: تکرار صامت / ش / در بیت کاملاً محسوس است. / تشخیص: آب آتش به معنی آبروی آتش است.

گزینۀ (۲): استعاره: «خورشید» استعاره از چهره، «شب» استعاره از زلف و «چشمه نوش» استعاره از لبان معشوق است. / ایهام تناسب: «آب» در مصراع اول به معنی «آبرو» است، اما در معنی رایج آن (= آب نوشیدنی) با چشمه ایهام تناسب می‌سازد.

گزینۀ (۳): تلمیح: به داستان چشمه آب حیات. / تضاد: آب و آتش؛ خورشید و شب.

۲۰۷۰- گزینۀ (۱) گزینۀ (۲) با جناس ناهمسان، گزینۀ (۳) با حسن تعلیل و گزینۀ (۴) با استعاره رد می‌شود.

بررسی آرایه‌های گزینه (۱):

تشبیه: عشق رخ تو [همچون] دولت و سعادت باقی است. خاک درت [همچون] شربت صافی است. عالم [همچون] سراب است. / تضاد: باقی (به معنی جاودان) با فنا / جناس همسان: باقی در این بیت به ترتیب در معانی «جاودان» و «بقیه» به کار رفته است: عشق رخ تو همچون سعادت «جاودان» است و جز آن «بقیه» [آن چه در دنیا است] فنا و نیستی است.

۲۰۷۱- گزینۀ «۴» با توجه به مصراع اول، «سنگ» در مصراع دوم استعاره از غفلت است، ولی بیت فاقد تضاد است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینۀ (۱): تشبیه: سیلاب سرشک (اضافۀ تشبیهی) / جناس: «دوش» در مصراع اول به معنی دیشب است و در مصراع دوم به معنی کتف و شانه.

گزینۀ (۲): حسن تعلیل: ستاره‌ها از آسمان به بیرون فرار می‌کنند، زیرا از تیر تو می‌ترسند، شاهد این سخنم نیز شهاب‌سنگ‌ها هستند! / تشخیص: ترسیدن ستاره

گزینۀ (۳): کنایه: «به دست جام داشتن» کنایه از شادنوشی و عیاشی است. / ایهام تناسب: «مدام» در این بیت به معنی پیوسته و دائمی است، اما در معنی شراب با جام تناسب دارد.

۲۰۷۲- گزینۀ «۴» بررسی ابیات:

«الف»: جناس: کس و بس / تناقض: فقط یار من در جهان هست و یار من در جهان نیست — یک جناس و یک تناقض

«ب»: جناس: غریب در مصراع اول به معنی بیگانه و در مصراع دوم به معنی عجیب به کار رفته (همسان). / تناقض: در وطن خویش غریبم — یک جناس و یک تناقض

«ج»: جناس: ۱- حریم و حرم ۲- حرم و گرم ۳- جان و جهان / تناقض: ندارد — سه جناس و بدون تناقض

«د»: جناس: نوشم و پوشم / تناقض: به شادی غم می‌نوشم — یک جناس و یک تناقض

۲۰۷۳- گزینۀ «۴» گزینۀ (۱) با مجاز، گزینۀ (۲) با حسن تعلیل و گزینۀ (۳) با پارادوکس رد می‌شود.

بررسی آرایه‌های گزینۀ «۴»:

تضاد: نیست و هست / جناس: مقصد و مقصود / واج‌آرایی: صامت / د / و صامت / س / / اغراق: شاعر در مصراع دوم با بیانی اغراق‌آمیز، دهان معشوق را از فرط کوچکی، «ناپدید» یا «هیچ» می‌انگارد. اغراق در کوچکی دهان یار، تا مرز هیچ‌پنداشتن آن، از تصاویر نسبتاً رایج ادبیات فارسی است. از حافظ بشنود:

هیچ است آن دهان و نبینم از او نشان

موی است آن میان و ندانم که آن چه موست

۲۰۷۴- گزینۀ «۱» گزینۀ‌های (۲) و (۳) با جناس و گزینۀ (۴) با تشخیص رد می‌شوند.

بررسی گزینۀ (۱):

تشبیه: کلک حافظ [همانند] شکرین میوه نبات است. / کنایه: [از این میوه] چیدن کنایه از بهره‌مند شدن و استفاده کردن است. / مجاز: کلک (قلم) مجاز از شعر و سخن است. / استعاره: باغ: استعاره از آثار ادبی و ثمر استعاره از اشعار حافظ است.

۲۰۷۵- گزینۀ «۲» در این گزینۀ، تشخیص وجود دارد: «نسل غم» یعنی برای غم، نسل و دودمان قائل شده است، اما ایهام در بیت وجود ندارد و «پشت» فقط به معنی نژاد و اجداد قابل قبول است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینۀ (۱): «باد» نخست در معنی «جابه‌جایی سریع هوا» و «باد» دوم، فعل داعی است. / تلمیح: به داستان فرهاد و شیرین، لیلی و مجنون.

گزینۀ (۳): «ای عشق»، «تیره دود» و «دودمان باد» همگی تشخیص دارند و استعاره. / واج‌آرایی: صامت / د / در مصراع دوم

گزینۀ (۴): تضاد: کوه و کاه / تشبیه: قصر بی‌شیرین به بیستون و کوه بی‌فرهاد به کاه.

۲۰۷۶- گزینۀ «۴» در این گزینۀ، «یاقوت» استعاره از «لب» است. نشانهٔ مهمی که ذهن را از معنی حقیقی یاقوت منحرف می‌کند، واژهٔ «تو» است: کار یاقوت تو ... در ضمن، یاقوت در معنی حقیقی خود، توانایی باده‌فروشی ندارد. آرایه‌های نوشته‌شده در مقابل سایر گزینه‌ها درست نیست.

۱. همان‌طور که می‌دانید، واج‌ها، صداها و موجود در هر زبان است، بنابراین گاهی یک صدا، می‌تواند چند نماینده در حروف الفبا داشته باشد. در همین تست، منظور از صامت/س/، هر حرفی است که صدای «s» را داشته باشد؛ یعنی حروف «ص، س، ث» که هر سه یک صدا دارند.

در گزینۀ (۳) بین «هست» و «نیست» تضاد وجود دارد، اما خبری از متناقض‌نما نیست. حرف «که» در اواخر دو مصراع این بیت به معنی «بلکه» است.

۲۰۷۷- گزینۀ «۴» با آرایۀ تشخیص، گزینۀ‌های (۱) و (۲) و با جناس گزینۀ (۳) رد می‌شوند. در گزینۀ (۴)، بین ستاره، مه و آسمان مراعات نظیر است. «تا چه بزیاد آسمان» و «کاری انجام‌دادن ستاره» تشخیص و استعاره دارد، همچنین «مه» استعارۀ مَرَّحَه از معشوق است و بین «ره و مه» جناس ناهمسان وجود دارد.

۲۰۷۸- گزینۀ «۴» «جیب مه» در گزینۀ (۴) را نمی‌توان تشخیص گرفت، زیرا «مه» استعاره از معشوق است و «جیب معشوق» تشخیص ندارد.

۲۰۷۸- گزینۀ «۴» گزینۀ (۱) با حسن تعلیل، گزینۀ (۲) با حس آمیزی و گزینۀ (۳) با تشخیص رد می‌شود. بین «سایه» و «آفتاب» تضاد آشکاری هست، این که خورشید در برابر چهرۀ معشوق همچون ذره است، اغراق دارد. در مصراع نخست، آفتاب به ذره تشبیه شده، هم‌چنین «حجاب سایهٔ زلف» اضافۀ تشبیهی است. بین «چو» در مصراع اول و «تو» در مصراع دوم و نیز بین «بر» و «در» جناس ناقص برقرار است.

۲۰۷۹- گزینۀ «۳» با تلمیح، گزینۀ (۲) حذف می‌شود، زیرا در بیت «ه» تلمیح به کار نرفته است. با آرایۀ حس آمیزی گزینۀ‌های (۱) و (۴) رد می‌شوند، چرا که در بیت‌های «الف» و «ب» حس آمیزی وجود ندارد.

بررسی آرایه‌ها براساس پیشنهادهای گزینۀ (۳):

«الف»: ایهام: «دوش» در مصراع دوم، با هر دو معنی «دیشب و کتف» قابلیت جای‌گذاری دارد: از اشتیاق زلف تو، دیشب شبی طولانی داشتم، اگر چه زلف سیاه تو، (۱) از دیشب نیز طولانی‌تر است (۲) از کتف نیز گذشته است.

«ب»: استعاره: «شریت» استعاره از سخنان شیرین و «شکر» استعاره از لب معشوق است.

«ج»: حس آمیزی: سخن نازک (شنوایی + لامسه) و سخن رنگین (شنوایی + بینایی)

«د»: تلمیح: به داستان آب حیات و پنهان‌بودن آن (این بیت حسن تعلیل زیبایی هم دارد).

«ه»: حسن تعلیل: علت بلندبودن درخت سرو آن است که قد و قامت یار را دیده است.

۲۰۸۰- گزینۀ «۴» این گزینۀ «واو» عطف و معطوف ندارد. تمام «واو»‌ها بین جملات و از نوع «پیوند هم‌پایه‌ساز (ربط)» هستند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینۀ (۱): از امیر و از استیلای این دو سپاه‌سالار

عطف معطوف

گزینۀ (۲): زشت و مُحال

معطوف معطوف

گزینۀ (۳): چنین و چنین، چنین و چنین

معطوف معطوف

۲۰۸۱- گزینۀ «۴» «واو» در گزینۀ (۴) بین دو جمله و از نوع «پیوند هم‌پایه‌ساز (ربط)» است؛ یعنی واو عطف و در نتیجه نقش تبعی معطوف ندارد.

این گزینۀ نقش تبعی دیگری نیز ندارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینۀ (۱): مهم‌ترین نوع ادبی اروپا و مهم‌ترین نوع ادبی جهان

معطوف معطوف

گزینۀ (۲): شوخی و خنده؛ نارسایی‌ها و ناروایی‌ها

معطوف معطوف

گزینۀ (۳): به مسائل وطن‌پرستی، (= و) بشردوستی، (= و) مخالفت با استعمار و تسلط بیگانگان، (= و) محبت به فرزندان و خانواده و آزادی‌خواهی: شش معطوف در این گزینۀ وجود دارد.

همان‌طور که در گزینۀ (۳) دیدید، گاهی «ویرگول» کار «واو عطف» را می‌کند و گروه بعد از آن معطوف است.



نظیر: نازنین، مهسا، نیلوفر و نگار هم‌کلاسی هستند.

نهاد معطوف به معطوف به نهاد
نهاد نهاد نهاد

۲۰۸۲- گزینه (۱) دو معطوف دارد: آزار و انکار، همدل و همدم

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲): کوشش و جست‌وجو: یک معطوف؛

معطوف

«واو» در «جست‌وجو»، «بخشی از خود واژه» و «واو» پس از فعل «نرسید» پیوند هم‌پایه‌ساز است.

گزینه (۳): «واو» عطف و معطوف ندارد؛ هر دو «واو» برای هم‌پایه کردن یا ربط جمله‌ها هستند.

گزینه (۴): «واو» عطف و در نتیجه معطوف ندارد: به خشم آمدند و مولانا را پیوند هم‌پایه‌ساز

دیوانه [خواندند] و شمس را جادوگر خواندند.

پیوند هم‌پایه ساز

۲۰۸۳- گزینه (۴) او همان پیر و مرشدی است.

نهاد مسند معطوف به مسند

[او] تدریس و وعظ را رها کرد.

مفعول معطوف به مفعول

سایر معطوف‌های عبارت: به صحبت و خلوت نشست؛

متمم معطوف به متمم

در بر آشنا و بیگانه بست.

متمم معطوف به متمم

۲۰۸۴- گزینه (۲) در تمام قسمت‌های مشخص شده «واو» عطف و

نقش تبعی معطوف داریم. نکته این‌جاست که معطوف لزوماً عطف به واژه پیش از «واو» نیست. گاهی هسته گروه‌ها به هم عطف می‌شوند و گاهی وابسته‌ها.

در گزینه (۲) «کنج» معطوف است و به هسته گروه پیش از خود عطف شده است:

سیر معنوی و کنج خانقاه برای تو بس است.

نهاد صفت عطف معطوف به نهاد

بی‌شک «کنج» صفت نیست و نمی‌تواند عطف به «معنوی» و هم‌نقش با آن باشد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): از مه روی تو و [از] اشک چو پروین من است.

متمم مضاف‌الیه مضاف‌الیه معطوف به متمم

«اشک» هسته گروه خود است و عطف به هسته گروه قبلی شده و از نقش آن تبعیت می‌کند.

گزینه (۳): طریق عشق پرآشوب و [پر] فتنه است.

مسند معطوف به مسند

گزینه (۴): گل، با لبی و صد هزاران خنده به باغ آمد.

متمم صفت معطوف به متمم

هسته گروه «صد هزاران خنده» را باید معطوف به «لبی» بدانیم چون دو گروه به یکدیگر عطف شده‌اند.

۲۰۸۵- گزینه (۳) در تمام موارد، «واو» عطف و نقش تبعی معطوف

وجود دارد.

در بیت‌های «الف»، «ج» و «د» معطوف، به واژه‌ای غیر از آن چه مشخص شده عطف شده است.

«الف»: به نقش واژه‌ها دقت کنید:

از آب روان و سبزه و ... با من نگو.

متمم صفت عطف معطوف به متمم

در این‌جا هسته هر گروه از نقش هسته گروه دیگر تبعیت می‌کند؛ یعنی «سبزه» به «آب» عطف شده است و هر دو متمم هستند. در واقع می‌توانیم بگوییم از آب روان و از سبزه و ... اما اگر «سبزه» را به اشتباه معطوف به «روان»

بدانیم یعنی سبزه را با «روان» که صفت است، هم‌نقش دانسته‌ایم. آیا سبزه نیز مانند روان صفت است؟ مسلماً خیر.

«ج»: از جفای فلک و جور زمان

متمم مضاف‌الیه عطف معطوف به متمم مضاف‌الیه

هسته‌ها به یکدیگر عطف شده‌اند. «جور» معطوف به «جفا» است. می‌توانیم بگوییم: از جفای فلک و از جور زمان؛ اما اگر به اشتباه معطوف به فلک

بدانیدش مضاف‌الیه جفا می‌شود: جفای فلک و جفای جور!!

«د»: ناز بهشت و منت رضوان نمی‌کشد

مفعول مضاف‌الیه عطف معطوف به مفعول مضاف‌الیه

دو چیز را نمی‌کشند: ناز بهشت را و منت رضوان را؛ «منت» هسته گروه خود است و عطف شده به «ناز» که هسته گروه پیش از «واو» شده است. اما اگر به اشتباه معطوف به «بهشت» بدانیدش، مضاف‌الیه ناز می‌شود: ناز بهشت و ناز منت!!

بررسی دو بیت دیگر:

«ب»: دامن تر تو و هم‌صحبان تو،

مضاف‌الیه عطف معطوف به مضاف‌الیه

در این‌جا وابسته‌ها به یکدیگر عطف شده‌اند. هم‌صحبان، معطوف به «تو» است و هر دو مضاف‌الیه «دامن» هستند: دامن تو، دامن هم‌صحبان تو «ه»: جهان و کار جهان بی‌ثبات و بی‌محل است.

نهاد عطف معطوف به نهاد

هسته‌ها به یکدیگر عطف شده‌اند.

۲۰۸۶- گزینه (۲) اگر یک واژه، در یک نقش دو بار در جمله تکرار شود، نقش تبعی تکرار دارد؛ گزینه (۲) فاقد نقش تبعی تکرار است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): کجا روم کجا من؟

قید تکرار

گزینه (۳): چو تخته‌پاره بر موج، من رها هستم، رها، رها.

مسند تکرار تکرار

گزینه (۴): به من هر آن که نزدیک است، من از او جدا هستم، جدا.

مسند تکرار

۲۰۸۷- گزینه (۴) مصراع دوم بیت گزینه (۴) یک جمله است که در آن، یک واژه دو بار در یک نقش تکرار شده است.

دل است این، دل

مسند نهاد تکرار مسند

مقایسه کنید با بیت گزینه (۱) که «تکرار دستوری» ندارد:

مصراع اول: آن روزگار کو که مرا یار یار بود

که برای من، یار، یار بود.

متمم نهاد مسند

مصراع دوم: من از غم بر کنار (= آزاد و رها) [بودم] و او در کنار (= آغوش) بود. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲): از نظر آرایه‌های ادبی «تکرار» دارد نه از نظر دستوری. (در مورد ابهام این بیت هم در این‌جا سکوت می‌کنیم!)

گزینه (۳): نالان نالان کلاً یک قید است: نظیر: یواش یواش، پُرسان پُرسان.

۲۰۸۸- گزینه (۳) بیت گزینه (۳) نقش تبعی تکرار ندارد. به نقش ضمیر «من» توجه داشته باشید:

غمان من دامن - زبان من - من دانم

مضاف‌الیه نهاد مضاف‌الیه نهاد

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): نرم شد نرم - رام شد رام

مسند تکرار مسند تکرار

۱. به این دلیل می‌گوییم «تکرار دستوری» تا این مبحث دستور زبانی را با «تکرار» در آرایه‌های ادبی اشتباه نگیرید؛ هر چند که در اشعار، تکرار دستوری را می‌توان آرایه ادبی نیز به حساب آورد.



گزینۀ (۲): در صدف جان دُری نیست به جز دوست دوست
متمم تکرار

گزینۀ (۴): زود خور زود
قید تکرار

در گزینۀ (۲) «اوست» با این که تکرار شده؛ اما نقش تبعی تکرار ندارد؛ زیرا «نقش تبعی» مربوط به گروه هاست، نه جملات.

۲۰۸۹- گزینۀ (۲) «علاءالدین کیقباد» توضیحی است برای «پادشاه سلجوقی روم» که با مکث همراه است و هر دو گروه نقش دستوری یکسانی دارند. با این توضیحات تمام شرایط «بدل» را دارد و نقش تبعی است: پادشاه سلجوقی روم، علاءالدین کیقباد، از مقامات او آگاهی یافت.

نهاد بدل

در مورد اغلب بدل ها، «این همانی» را هم در نظر بگیرید؛ یعنی در گزینۀ (۲) «علاءالدین کیقباد» همان «پادشاه سلجوقی روم» است، در صورتی که در گزینۀ (۴) «بهاءالدین» و «جلال الدین محمد» دو شخص متفاوت هستند و یکی نمی تواند بدل از دیگری باشد.

۲۰۹۰- گزینۀ (۱) گزینۀ (۱) بدل ندارد. «او شمس الدین تبریزی بود.» جمله دیگری است و نمی توانیم آن را بدل برای «آفتاب عشق و شمس حقیقت» بدانیم. بدل در سایر گزینه ها:

گزینۀ (۲): سلطان ولد، فرزند مولانا
بدل

گزینۀ (۳): خواجه عبدالکریم، خادم خاص شیخ ما، ابوسعید بود.
نهاد مسند صفت بیانی مضاف الیه مضاف الیه بدل برای «شیخ ما»

در مورد این عبارت دقت داشته باشید که «ابوسعید» یا «شیخ ما» رابطه «این همانی» دارد و هر دو یکی هستند؛ پس «ابوسعید» بدل از «شیخ ما» است. در بسیاری از موارد، در نظر گرفتن رابطه «این همانی» برای تشخیص بدل راهگشاست؛ مانند همین جمله که «ابوسعید» و «خادم خاص» دو شخصیت متفاوت هستند و «ابوسعید» نمی تواند بدل «خادم خاص» یا «خواجه عبدالکریم» باشد.

گزینۀ (۴): پدر جلال الدین، محمدبن حسین خطیبی، معروف به بهاءالدین ولد ...
نهاد بدل بدل «محمدبن حسین خطیبی»

۲۰۹۱- گزینۀ (۳)

«ب»: «بس» تنها مسند این بیت است: داریم و بس [است].

«د»: «هر» در گروه «هر روز» تنها صفت مبهم بیت است.

بررسی سایر موارد:

«الف»: یک «واو» عطف دارد: نامهربان و مهربان؛ «واو» در مصراع دوم، بین دو جمله آمده و پیوند هم پایه ساز است: داریم و بس [است].

«ج»: دو نقش تبعی دارد: ۱- نامهربان و مهربان: معطوف ۲- ما خود: بدل

۲۰۹۲- گزینۀ (۲) «خود» بدل است برای «تو» و با مکث بدلی همراه است: تو، خود، وصال دگر بودی ای نسیم وصال ...

۲۰۹۳- گزینۀ (۳) «سعدی شیرازی» بدل از «شاعر و نویسنده» است که مضاف الیه هستند.

«سعدی نامه یا بوستان اثر ارجمند شاعر و نویسنده ایرانی، سعدی شیرازی است.

نهاد مسند صفت مضاف الیه معطوف بدل از به مضاف الیه

بررسی سایر گزینه ها:

گزینۀ (۱): ویلیام بلیک، شاعر و نقاش رومانتیک، می گوید ...

نهاد بدل از نهاد

گزینۀ (۲): عاقبت، یکشنبه، پنجم جمادی الآخر سال ۶۷۲ هجری قمری، ...

قید قید بدل از قید

گزینۀ (۴): این شیخ همیشه شاب، پیرترین و جوان ترین شاعر زبان فارسی، ...

نهاد بدل از نهاد

۲۰۹۴- گزینۀ (۴) نقش تبعی در گزینۀ (۴) از نوع «بدل» است: ... بر زبر تخت نشست، مخنقه در گردن، عقدی همه کافور ...

بدل

بررسی سایر گزینه ها:

گزینۀ (۱): تر و تبا: معطوف

گزینۀ (۲): علت و تب: معطوف

گزینۀ (۳): این مرد بزرگ و دبیر کافی: معطوف

۲۰۹۵- گزینۀ (۴) نقش های تبعی متن:

(۱) بدل: جان لوییجی بوفون، دروازه بان و کاپیتان تیم ملی ایتالیا و یوونتوس، ...

(۲) معطوف: دروازه بان و کاپیتان

(۳) معطوف: تیم ملی ایتالیا و یوونتوس

(۴) معطوف: پس از حذف مقابل تیم ملی سوئد و جاماندن ایتالیا از جام جهانی

۲۰۱۸ روسیه

۲۰۹۶- گزینۀ (۴) متن سؤال، هر سه نوع نقش تبعی را دارد:

تکرار: انتظار! انتظار

معطوف: خوابگاه مرگ و جولانگاه هول، چشمه مواج و زلال نوازش ها، (= و)

امیدها و انتظار

بدل: آسمان، کشور سبز آرزوها، چشمه مواج و زلال نوازش ها، امیدها، ... (دو)

بدل دارد که با یکدیگر هم پایه اند.

۲۰۹۷- گزینۀ (۲) دقت کنید که «خویشتن» در مصراع دوم گزینۀ (۲)

مفعول است و «بدل» نیست:

به عید وصل تو، من خویشتن [را] قربان کنم.

مضاف الیه نهاد مفعول

بدل در سایر گزینه ها:

گزینۀ (۱): خود تو بگوی: «تو» بدل برای «خود»

گزینۀ (۳): گرچه من بنده ندارم خدمتی: «بنده» بدل برای «من»

گزینۀ (۴): بود سلطان جهان خود بنده اش: «خود» بدل برای «سلطان جهان»

۲۰۹۸- گزینۀ (۲)

خندان تو برون روی و گریان همه کس [برون روند] نقش تبعی ندارد.

پیوند هم پایه ساز

نقش تبعی در سه گزینۀ دیگر:

گزینۀ (۱): تو، خود، چه لعبتی ...

بدل

گزینۀ (۳): شب و روز

معطوف

گزینۀ (۴): باغ و گلستان

معطوف

۲۰۹۹- گزینۀ (۲) همان طور که پیش تر گفتیم، صرف تکرار یک واژه

در بیت، نقش تبعی تکرار محسوب نمی شود.

«بر کوری [چشم] هر کوری»

متمم مضاف الیه (صفت پانشین موصوف)

در این جمله واژه های مشابه، هم نقش نیستند و نقش تبعی تکرار وجود ندارد.

«کوری» اول، «متمم» و «کوری» دوم، «مضاف الیه» است. «کوری» اول یعنی

کوربودن اما «کوری» دوم در واقع یعنی یک آدم کور!

بررسی سایر گزینه ها:

گزینۀ (۱): لاف زنم لاف ... / ناز کنم ناز

تکرار تکرار

گزینۀ (۳): آسمان، خود کنون ز من خیره است.

بدل

گزینۀ (۴): زمین و چرخ

معطوف

۲۱۰۰- گزینه «۳»

ای مرغ دل که خسته و بی تاب هستی / دمساز باش با غم او دمساز
معطوف تکرار

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): ظاهراً نقش تبعی «تکرار» دارد اما در واقع چنین نیست. این گزینه سه جمله دارد که در هر کدام، «عاشق» مسند است.

[من] عاشق هستم، [من] عاشق ستاره صبح هستم / [من] عاشق ابرهای
مسند مسند مسند

سرگردان هستم؛ زمانی نقش تبعی تکرار وجود دارد که یک واژه، در یک نقش و در یک جمله تکرار شود.

گزینه (۲): حسرت و ناکامی

معطوف

گزینه (۴): خلوت و سکوت

معطوف

۲۱۰۱- گزینه «۴»

عاشق و دیوانه؛ که او خود سوخت از درد محبت

معطوف بدل از «او»

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): دو معطوف دارد: یکدل و یک‌روی، دورنگ و دورو / گزینه (۲): معطوف دارد: رنگ من و رنگ شب / گزینه (۳): نقش تبعی ندارد.

۲۱۰۲- گزینه «۳» بیت گزینه (۳)، چهار نقش تبعی دارد:

بلی توقع من، بنده، خود همین بوده است.

بدل از من بدل از توقع من

چه در قدیم و حدیث و چه در قلیل و کثیر («و» بعد از «حدیث»، حرف ربط است).

معطوف

معطوف

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): نقش تبعی ندارد. (هر دو «او» هم‌پایه‌ساز هستند).

گزینه (۲): حال و کارش، مراد و کامش: دو نقش تبعی

معطوف

معطوف

گزینه (۴): قهر و لطف: یک نقش تبعی

معطوف

۲۱۰۳- گزینه «۳»

ترکیب‌های اضافی: (۱) ریشه ظلم (۲) اظهار لطف

(۳) فهرست اسم‌ها (۴) چهره سرباز (۵) پیشگاه امپراتور (۶) هنگام استراحت (۷) رمز عبور

۲۱۰۴- گزینه «۲»

ترکیب‌های اضافی: (۱) تابع علایق (۲) علایق خوانندگان

(۳) توضیح وضعیت (۴) وضعیت خود

در گروه «توضیح وضعیت تاریخی خود»، این ترکیب‌ها را داریم: توضیح وضعیت، وضعیت تاریخی، وضعیت خود. از این ترکیب‌ها، اولی و سومی، اضافی هستند و دومی، وصفی.

۲۱۰۵- گزینه «۳»

هدفمان از طرح این تست، یادآوری این نکته است که برخلاف «مضاف‌الیه» که یک نقش دستوری است، «مضاف» نقش دستوری محسوب نمی‌شود. در جمله‌ها، «مضاف» یک ترکیب اضافی، نقش‌هایی از قبیل «نهاد - مفعول - متمم - مسند و قید» را می‌پذیرد.

گزینه (۳): نور زرد رنگ آن، قیافه گیلهمرد را روشن کرد؛

مفعول مضاف‌الیه

«قیافه گیلهمرد»، یک ترکیب اضافی است. «قیافه»، مضاف این ترکیب و هسته این گروه است که نقش مفعولی دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): فاقد مفعول است. «شنیده شد» فعل مجهول است و طبیعتاً مفعول ندارد. / گزینه (۲): مفعول این گزینه یک ترکیب وصفی است (نعره‌های عجیبی)، پس مضافی در کار نیست که بخواهیم نقش آن را بررسی کنیم (نعره‌ها موصوف است). / گزینه (۴): فاقد مفعول و ترکیب اضافی است.

۲۱۰۶- گزینه «۱»

۱- شعر حافظ ۲- زمان آدم ۳- باغ خلد ۴- زینت اوراق ۵- اوراق دفتر ۶- دفتر نسرین ۷- دفتر گل «را» در این بیت «فک اضافه» است و گروه اسمی مصراع دوم بعد از بازگردانی، چنین می‌شود: زینت اوراق دفتر نسرین و گل. اگر «را» حرف اضافه باشد یک ترکیب اضافی کم می‌شود، اما تأثیری در جواب تست ندارد: برای دفتر نسرین و گل، زینت اوراق بود. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲): ۱- دم صبح ۲- صبح ازل ۳- آخر شام ۴- شام ابد

گزینه (۳): ۱- رشته تسبیح ۲- دستم ۳- دست من ۴- ساعد ساقی

گزینه (۴): ۱- حسن مهریوان ۲- مهریوان مجلس ۳- بحث ما ۴- لطف طبع ۵- خوبی اخلاق

۲۱۰۷- گزینه «۳»

«الف» (۱) مردم تبریز (۲) خاندان وی (۳) اهل تبریز «ب» (۱) یاران مولانا (۲) پژمردگی او (۳) دلتنگی او (۴) غیبت شمس (۵) کردار خود «ج» (۱) شغل تدریس (۲) حضورش (= حضور او) (۳) مردم روزگار (۴) تقوای او (۵) زهد او

«د» (۱) دیار روم (۲) تاخت‌وتاز سپاه (۳) سپاه مغول

«ه» (۱) کسب علوم (۲) کسب معارف «برای» حرف اضافه است و واژه بعد از آن مضاف‌الیه نیست.

۲۱۰۸- گزینه «۲»

ترکیب‌های وصفی: (۱) واپسماندگی صنعتی (۲) کشورهای کم‌رشد (۳) این واقعیت (۴) طبقات مالک (۵) طبقات ... بومی؛ طبقات مالک بومی = طبقات مالک + طبقات بومی (طبقات بومی که مالک هستند). (۶) اموال غیرمنقول (۷) معاملات سوداگرانه (۸) صنعت مدرن ترکیب‌های اضافی: (۱) علی واپسماندگی (۲) واپسماندگی کشورها (۳) پول‌های خود (۴) ساختمان صنعت

۲۱۰۹- گزینه «۴» به خاک افکندی‌ام: من را به خاک افکندی.

مفعول

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): مرو از پی هر چه دل خواهدت: از پی هر چه دل تو خواهد، مرو. مضاف‌الیه

نور جان کاهدت: نور جان تو را کاهد.

مضاف‌الیه

گزینه (۲): قبایش دریدند = قبای او را دریدند؛ نقش گروه را به هسته آن می‌دهیم نه به وابسته آن.

مفعول مضاف‌الیه

دستش = دست او

مضاف‌الیه

گزینه (۳): مهرش = مهر او؛ شمع جمال او را بکشت.

مفعول مضاف‌الیه مضاف‌الیه

۲۱۱۰- گزینه «۲»

هاتف غیبم به مزه گفت ← هاتف غیب، به مزه، به من گفت

متمم

دوا می‌فرستم ← برای تو دوا می‌فرستم.

متمم

۲۱۱۱- گزینه «۳»

در مصراع اول، هر دو ضمیر پیوسته «ت» در نقش مضاف‌الیه هستند. اولی به مضاف خود چسبیده است: تنت = تن تو، اما دومی جابه‌جا شده است و «من تو» معنی نمی‌دهد. در بازگردانی بیت، مضاف آن مشخص می‌شود:

ره می‌زند سوی منت: سوی من رهِت را می‌زند؛ یعنی راحت را به سوی من تغییر می‌دهد. راه‌زدن به معنی گمراه‌ساختن یا قطع کردن راه است.

۲۱۱۲- گزینه «۱»

۲۱۱۳- گزینه «۴»

کتاب «اسرار التوحید» در شرح حال شیخ ابوسعید ابوالخیر عارف قرن چهارم و پنجم اثر محمّدین منور است. «تاریخ بیهقی» از ابوالفضل بیهقی و «تحفة الاحرار» و «بهارستان» از جامی هستند.

- ۲۱۱۴- گزینۀ «۱» محمدحسین خطیبی معروف به بهاء ولد، پدر جلال‌الدین مولوی، از دانشمندان قرن ۶ و ۷ بوده است.
- ۲۱۱۵- گزینۀ «۴» در صفحه ۶۷ کتاب یازدهم خواندید که جلال‌الدین محمد مولوی در خردسالی در هنگام عبور از شهر نیشابور با «عطار» دیدار داشته و او کتاب «اسرارنامه» خود را به مولانا هدیه داده است.
- ۲۱۱۶- گزینۀ «۳» سلطان علاء‌الدین کیقباد، پادشاه سلجوقی وقتی آوازه تقوا و پرهیزکاری بهاء‌الدین ولد را می‌شنود از او درخواست می‌کند به قونیه بیاید و به او بیوندد.
- ۲۱۱۸- گزینۀ «۲» به دلیل این که شمس زیاد مسافرت می‌کرد، هم‌چنین به دلیل جست‌وجو در عالم معنا به او «شمس پرنده» لقب داده بودند.
- ۲۱۱۹- گزینۀ «۴» بنا بر نوشته‌ها و روایات، کسی که از مولانا درخواست می‌کند کتابی به شیوه «الهی‌نامه» سنایی یا «منطق‌الطیر» عطار برای هدایت مریدان بسازد، حسام‌الدین چلبی بوده است.
- ۲۱۲۰- گزینۀ «۴» این سؤال براساس اطلاعات تاریخ ادبیاتی درس هشتم طرح‌ریزی شده است. در پاراگراف اول صفحه ۷۰ خوانده‌اید که حسام‌الدین از مولانا خواست کتابی به‌طرز «الهی‌نامه» سنایی یا «منطق‌الطیر» عطار به نظم آورد.
- ۲۱۲۱- گزینۀ «۳» این دو بیت از «شعرخوانی» درس هفتم فارسی ۲ انتخاب شده است. درون‌مایه این ابیات، عارفانه و با توجه به وزن و اشاره صورت سؤال به انتخاب از ابیات آغازین شعر - که نشان می‌دهد تعداد ابیات این قطعه شعر، بیش از دو بیت است - و وجود قافیه در مصراع‌های ۱، ۲ و ۴، قالب آن غزل یا قصیده است. «لیلی و مجنون»، «مثنوی معنوی» و «فرهاد و شیرین»، هر سه در قالب مثنوی سروده شده‌اند و این ابیات با توجه به توضیحات بالا نمی‌تواند مربوط به این سه کتاب باشد. مجموعه غزلیات عارفانه مولوی (مولانا)، «غزلیات شمس» نام دارد که این ابیات، برگرفته از آغاز یکی از این غزلیات است. البته وزن این ابیات را ممکن است فقط دانش‌آموزان علوم انسانی تشخیص بدهند که البته برای انتخاب گزینۀ صحیح، ضرورت ندارد و جای نگرانی نیست.
- ما مروج این نوع سؤال نیستیم؛ اما با توجه به سؤال تاریخ ادبیات طرح‌شده در برخی گروه‌های آزمایشی در کنکور ۱۳۹۹ از شما می‌خواهیم نگاهی کلی به اشعار کتاب‌های درسی، خصوصاً «شعرخوانی»‌ها از منظر درون‌مایه، قالب و شاعر آن‌ها داشته باشید.
- ۲۱۲۲- گزینۀ «۳» «فرهاد و شیرین» مثنوی‌ای عاشقانه از وحشی بافقی است؛ «تحفه‌الاحرار» اثری است به نظم در قالب مثنوی از جامی و «منطق‌الطیر» هم مثنوی‌ای عرفانی از عطار است.



لغت و معنی

واژگان موجود در واثو نامه

مناسک: جمع منسک؛ اعمال عبادی، آیین‌های دینی	متفق: همسو، هم‌عقیده، موافق	کبریا: بارگاه خداوندی، [عظمت]
وعظ: اندرز، پنددادن	مرشد: آن که مراحل سیر و سلوک را پشت سر	شبگرد: شب‌رو
عازم: رهسپار، راهی	گذاشته و سالکان را راهنمایی و هدایت می‌کند؛ مُراد،	تشییع: همراهی و مشایعت کردن جنازه تا گورستان
شریعت: شرع، آیین، راه دین؛ مقابلِ طریقت	پیر، مقابلِ مُرید و سالک	رضوان: بهشت، نام فرشته‌ای که نگهبان بهشت است.
محضر: محل حضور، مجازاً مجلس درس یا مجلسی	صنم: بُت، معشوق زیبارو (مجازاً)	قَدَسُ اللّٰهِ رَوْحَهُ الْعَزِيزُ: خداوند، روح عزیز او را پاک
که در آن، سخنان قابل استفاده گفته می‌شود.	خوش‌لقا: زیبارو، خوش‌سیما	گرداند.
زهد: پارسایی، پرهیزگاری	ملک: فرشته	

طعن: نیزه زدن، سرزنش کردن، ملامت	صحبت: همدمی، هم نشینی	خطیب: سخنران، واعظ
تماشا: گشت و گذار، سیر و تفرج	زاهد: پارسا، پرهیزگار	بهاء: درخشندگی، رونق، شکوه، ارزش
جمله: همه، همگی	حریف: همدم، رفیق، همنشین	جلال: شکوه، عظمت
مرثیه: شعر یا سخنی که در سوگ مرده خوانده شود، نوحه سرایی	گریزیا: فراری	رهسپار: راهی، روانه، عازم
بدیع: شگفت، نو، نادر	غوغا: آشوب و هیاهو، مردم فرومایه و آشوب طلب	فرید: یگانه، یکتا
تلخیص: خلاصه کردن	افغان: فریاد و زاری	علا: بلندی، بزرگی، شرف
خوش الحان: خوش آواز، خوش نوا	اشتیاق: میل و آرزو داشتن به دیدار محبوب	مقامات: درجات
گلشن: باغ، روضه، گلزار	حسام: شمشیر تیز و بَران	شهریار: پادشاه، فرمانروای شهر
رُستن: روییدن، نمودن	سنا: روشنایی، فروغ	دیار: خانه، محل، سرزمین، شهر
خطاب: سخن رو در رو گفتن	منطق الطیر: زبان مرغان	خاتون: بانو، خانم
لین: نرم	دستار: عمامه، سربند، شال دور سر	مُرید: خواهنده، ارادتمند، سالک، پیرو؛ مقابل مرشد
خواجه: بزرگ، سرور	سیرت: خلق و خو، مذهب	ارشاد: راهنمایی، راه درست را نشان دادن
	مطلق: بی قید و شرط؛ خیر مطلق: خیر و نیکی محض	مشایخ: جمع مشیخه؛ پیران، عالمان و مرشدان

جدول روابط معنایی

روابط معنایی	هم آواها / کلماتی که نباید به جای هم به کار ببریم.
ترادف ← کوی و برزن - عازم و رهسپار - سالک و راهرو - متفق و موافق - طعن و ملامت - فز و شوکت - طرز و نمط - پیر و مرشد - مرید و سالک - قهر و غضب - لقا و سیما - بدیع و غریب - وعظ و اندرز - شبگرد و شبرو	نواحی: جمع ناحیه؛ اطراف / نواهی: جمع نهی و ناهیه؛ نهی شده‌ها
تضاد ← خُرد و کلان - مرشد و مرید - شریعت و طریقت - انکار و اجابت - عبد و خواجه - رضوان و دوزخ	خُرد: کوچک، اندک / خورد: بلعید، فروبرد خواست: تقاضا کرد / خاست: بلند شد سنا: نور، روشنایی / ثنا: ستایش، آفرین، تمجید آسار: جمع سَر؛ رازها / اصرار: پافشاری صلاح: خیر و نیکی / سیلاح: ابزار جنگ

کلمات هم‌آوايي و هم‌خانواده

ملقب و معروف (ملقب ← لقب، القاب / معروف ← عَرَف، عارف، مُعَرَّف)	طالبان علوم شریعت (شریعت ← شرع، شارع، تشرع، متشرع)	مُصلح، صلاحیت
خطیب و واعظ (خطیب ← خطبه، مخاطب، خطاب، خطاب / واعظ ← وعظ، وعاظ، موعظه، مواظ)	محضر استاد (محضر ← حضور، حاضر)	حسام‌الدین جلّی
بهاء‌الدین ولد و فریدالدین عطار (عطار ← عطر، معطر)	متفق و هم‌عقیده (متفق ← اتفاق)	طرز و قاعده (قاعده ← قواعد)
جلال‌الدین خُردسال	زهد و زاهد (زهد ← زُهاد)	الهی‌نامه سنایی
عازم و رهسپار (عازم ← عزم، عزیمت)	علوم و معارف (معارف ← عارف، عرفان)	منطق الطیر عطار (منطق ← نطق، ناطق)
هول و هراس (هول ← هایل (ترسناک))	سیر و تفرج (سیر ← مسیر)	دستار و عمامه
بی‌رحمی مغول (رحم ← رحیم، رحمت، مرحمت، مراحم)	صحبت و خلوت (صحبت ← مصاحبت، مصاحب)	نظم مثنوی (نظم ← ناظم، منظم، تنظیم، منظومه)
مناسک حج (مناسک ← منسک)	غوغا و هیاهو	سیرت و صورت (صورت ← تصویر، صُور)
نواحی شام (نواحی ← ناحیه)	قهر و غضب (قهر ← قاهر، مقهور / غضب ← مغضوب)	(صورت‌ها)، (مُصور نقاش)، تصوّر، متصوّر
علاء‌الدین کیکباد (علاء ← غلی، عالی، اعلیٰ، غُلُو، مُعَلّی)	بُت و صنم (صنم ← اصنام)	صلح‌طلبی و سازش (صلح ← مصالحه)
مقامات و کرامات	خوش‌لقا و خوش‌سیما (لقا ← مُلاقی)	حسن و خیر مطلق (مطلق ← إطلاق)
صاحب بصیرت (بصیرت ← بصر، ابصار)	«دیدارکننده»، ملاقات، تلاقی	طعن و ناسزا (طعن ← طعنه، طاعن، مطعون (سرزنش‌شده))
گوهر خاتون سمرقندی	انقلاب احوال مولانا (انقلاب ← قلب، منقلب، مقلوب)	عزم تماشا (عزم ← عزیمت، إغزام)
اصرار و الحاح (اصرار ← مُصر)	افغان و زاری (افغان ← فغان)	خویشان و پیوستگان
حَلَب و قونیّه	اشتیاق و انتظار (انتظار ← نظر، ناظر، منظور، منتظر)	مہتر و قافله‌سالار (قافله ← قوافل)
	صلاح‌الدین زرکوب (صلاح ← اصلاح)	خُرد و کلان
		تشییع جنازه (تشییع ← مشایعت)
		مرثیه و تعزیه (مرثیه ← رثا، مراثی (جمع مرثیه؛ سوگ‌نامه‌ها))

بدیع الزمان فروزانفر (بدیع ← بدعت، مُبدع، ابداع)
تلخیص و تغییر (تلخیص ← مُلَخَّص (خلاصه شده))
نقش تبعی معطوف (تبعی ← تابع، متبوع، تبعیت، تبعه، اتباع)

دریغ و افسوس
مرغ خوش الحان (الحان ← لحن)
طغیان و عصیان (طغیان ← طاغی (نافرمان، سرکش) / عصیان ← عاصی، معصیت)
اسرار التوحید، روضه رضوان (آسرار ← بیز / رضوان ← راضی، مرضیه)

قَدَسَ اللّهُ رَوْحَهُ الْعَزِيزَ (قَدَسَ ← مقدّس، تقدیس، قُدّوس)
سالک و راهرو (سالک ← سلوک، مسلوک (رفته شده، طی شده)، سیلک، مسالک)
مراحل سیر و سلوک

مفهوم، آرایه و دستور

رکوی عاشقان

محمد ملقب به جلال الدین، مشهور به مولانا یا مولوی، اوایل قرن هفتم در شهر بلخ به دنیا آمد.

نکته و توری: نقش های تبعی ← محمد، ملقب به جلال الدین، مشهور به مولانا یا مولوی
نهاد بدل از «محمد» حرف عطف معطوف به مولانا بدل از «محمد»

زود باشد که این پسر تو، آتش در سوختگان عالم زند.

مفهوم: سخن عشق، جان عاشقان را به سوز و گداز می آورد.

آرایه: کنایه: آتش در کسی زدن ← شیفته و بی قرار کردن کسی / استعاره (مصرّحه): سوختگان ← عاشقان / تناسب: آتش و سوختگان

ناگهان آفتاب عشق و شمس حقیقت در برابرش نمایان شد.

آرایه: استعاره (مصرّحه): آفتاب عشق و شمس حقیقت ← شمس تبریزی

با همه علم و استادی خویش در این ایام که حدوداً سی و هشت ساله بود: خدمت شمس زانو زد و نوآموز گشت.

مفهوم: شاگردی کردن در مکتب عشق با وجود عالم و استاد بودن

آرایه: کنایه: زانو زدن در برابر کسی ← علم آموزی و پذیرش استادی آن شخص

نکته و توری: انواع «واو» ← علم و استادی، سی و هشت ساله، زانو زد و نوآموز گشت.

حرف عطف معطوف میانه پیوند هم پایه ساز

مولانا آن چنان در معارف شمس غرق شد که مریدان خود را از یاد بُرد.

آرایه: استعاره (مکنیه): معارف ← دریایی که می توان در آن غرق شد.

در این میان، با بی توجهی به ملامت و هیاهوی مردم، خود را با سرودن غزل های گرم و پرسوز و گداز عاشقانه سرگرم می کرد.

مفهوم: بی توجهی به ملامت دیگران در راه عشق

آرایه: حس آمیزی: غزل های گرم / کنایه: سرگرم کردن ← مشغول کردن

نکته و توری: نقش های تبعی ← به ملامت و هیاهو، غزل های گرم و پرسوز و گداز

متقم معطوف به متقم صفت معطوف به صفت

بروید ای حریفان، بکشید یار ما را به من آورید آخر صنم گریز را

مفهوم: بازگرداندن یاری که دوری گزیده است.

آرایه: استعاره (مصرّحه): صنم ← یار / جناس: ما، را (ناقص) / کنایه: گریز را ← فراری و رمنده / واج آرایی: صامت / ر /

به ترانه های شیرین، به بهانه های زَرین بکشید سوی خانه، مه خوب خوش لقا را

مفهوم: بازگرداندن یار با وعده های دلنشین

آرایه: حس آمیزی: ترانه های شیرین / استعاره (مصرّحه): مه ← یار / واج آرایی: تکرار صامت / خ / در مصراع دوم

نکته و توری: به ترانه های شیرین، به بهانه های زَرین / ترکیب های وصفی: ۱- ترانه های شیرین ۲- بهانه های زَرین ۳- مه خوب ۴- مه خوش لقا

معطوف

ویرگول یا مکث بین دو گروه اگر جایگزین «و» باشد به منزله «واو» عطف است.

اگر او به وعده گوید که دمی دگر بیایم همه وعده مکر باشد، بفریید او شما را

مفهوم: هزار وعدهٔ خوبان یکی وفا نکند.

آرایه: واج آرایی: صامت‌های / د، / گ، / ک / (چون هم‌واجگاه هستند، با هم گرفتیمشان).

شمس ناگزیر دل از قونیه برکند.

آرایه: کنایه: دل برکندن ← قطع امید کردن

مولانا در دمشق، پیوسته به افغان و زاری و بی‌قراری شمس را از هر کوی و برزن جست‌وجو می‌کرد و نمی‌یافت.

مفهوم: زاری کردن عاشق در دوری معشوق و جست‌وجو کردن او در هر جا

کنایه و ستوری: معطوف‌ها: زاری - بی‌قراری - برزن / «و» در «جست‌وجو» بخشی از خود واژه (میانوند) است.

همین حالت صلح و یگانگی با عشق و حقیقت، او را بردباری و تحمل عظیم بخشید.

مفهوم: صبوری عاشق

کنایه و ستوری: «را» حرف اضافه است: او را ← به او / نقش‌های دستوری ← همین حالت صلح و یگانگی با عشق و حقیقت، به او
 صفت اشاره نوار مضاعف‌الیه معطوف به متقم مضاعف‌الیه معطوف به متقم

بردباری و تحمل عظیم بخشید.

مفعول معطوف صفت بیانی به مفعول

طعن و ناسزای دشمنان را هرگز جواب تلخ نمی‌داد و به نرمی و حسن خلق آنان را به راه راست می‌آورد.

مفهوم: رفتار نادرست دیگران را با نرمی و مهربانی پاسخ‌دادن

آرایه: حس آمیزی: جواب تلخ / کنایه: به راه راست آوردن ← هدایت کردن

کنایه و ستوری: «را» در جمله اول، حرف اضافه به معنی «به» و در جمله دوم نشانهٔ مفعول است. / معطوف‌ها: طعن و ناسزا - به نرمی و حسن خلق

هر نفس آواز عشق می‌رسد از چپ و راست ما به فلک می‌رویم، عزم تماشا که راست؟

مفهوم: نغمهٔ عشق در همهٔ هستی، ساری و جاری است. / کمال بخشی عشق

آرایه: تشخیص: (آواز) عشق / مجاز: چپ و راست ← همه جای جهان هستی / کنایه: به فلک رفتن ← تعالی و عروج معنوی / جناس: راست

و راست (= را است) (تام)

کنایه و ستوری: عزم تماشا که راست ← عزم تماشا برای چه کسی وجود دارد؟

نوار متقم فعل غیر اسنادی

ما به فلک بوده‌ایم یار ملک بوده‌ایم باز همان‌جا رویم، جمله که آن شهر ماست

مفهوم: بازگشت به اصل = اصل انسان از عالم معناست.

آرایه: سجع و جناس: فلک و ملک (جناس ناقص) / تلمیح: اشاره به آیهٔ «إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»

رو سر بنه به بالین، تنها مرا رها کن ترک من خراب شبگرد مبتلا کن

مفهوم: تقاضای عاشق برای تنهایی و خلوت

آرایه: کنایه: سر به بالین نهادن ← استراحت کردن / واج آرایی: مصوّت / - / - مصوّت /

کنایه و ستوری: ترکیب‌های وصفی: ۱- من خراب ۲- من شبگرد ۳- من مبتلا

دردی است غیر مردن، کان را دوا نباشد پس من چگونه گویم کاین درد را دوا کن

مفهوم: درد عشق درمان ندارد.

آرایه: تضاد: درد و دوا / تکرار: درد و دوا / واج آرایی: صامت / د

کنایه و ستوری: نوع «را» ← آن را دوا نباشد: برای آن دوا وجود ندارد؛ «نباشد» در این‌جا فعل اسنادی نیست. / این درد را دوا کن.

حرف اضافه متقم نوار مفعول نشانهٔ مفعول

در خواب دوش، پیری در کوی عشق دیدم با دست اشارتم کرد که عزم سوی ما کن

مفهوم: بشارت یافتن برای مرگ و رها شدن از دنیای مادی

آرایه: جناس: کوی و سوی (ناقص) / ایهام تناسب: دوش ← ۱- دیشب (ق ق) ۲- شانه (غ ق ق)، متناسب با دست / تشبیه: کوی عشق (اضافه تشبیهی) نکته و توری: نقش ضمیر پیوسته ← «اشارتم» کرد = به من اشارت کرد. متقم

خورشید عمر مولانا نیز از این جهان به جهان آخرت سفر کرد.

آرایه: تشبیه: خورشید عمر (اضافه تشبیهی) / تشخیص: (سفر کردن) عمر

به روز مرگ، چو تابوت من روان باشد گمان مبر، که مرا درد این جهان باشد

مفهوم: انسان عارف از مرگ و خلاص شدن از جهان مادی غمی ندارد.

آرایه: کنایه: درد چیزی را داشتن ← برای آن چیز ارزش قائل بودن / واج آرای: صامت / ر / نکته و توری: مرا درد این جهان باشد ← برای من درد این جهان وجود دارد (هست). متقم نهاد فعل غیر اسنادی

برای من مگر و مگو دریغ! دریغ! به دام دیو درافتی، دریغ آن باشد

مفهوم: مرگ افسوس و حسرتی ندارد / گرفتار نفس و شیطان بودن مایه افسوس است.

آرایه: کنایه: به دام دیو افتادن ← فریب شیطان را خوردن / واج آرای: تکرار صامت / د / نکته و توری: مگری: فعل نهی از مصدر گریستن / نقش تبعی ← مگو دریغ دریغ مفعول تکرار تبعی مفعول

کدام دانه فرو رفت در زمین که نرُست؟ چرا به دانه انسان این گمان باشد

مفهوم: مرگ پایان حیات انسان نیست و عالم دیگری هم وجود دارد.

آرایه: تشبیه: دانه انسان (اضافه تشبیهی) / پرسش انکاری: کدام دانه فرو رفت...؟ ← هیچ دانه‌ای فرو نرفت... / واج آرای: صامت / ن / نکته و توری: نقش‌های دستوری مصراع دوم ← چرا این گمان به دانه انسان برای تو وجود دارد؟ قید نهاد متقم متقم فعل غیر اسنادی



بیداری زمان را با من بخوان به فریاد / و مرد خواب و خفتی / «رو سر بنه به بالین، تنها مرا رها کن»

مفهوم: دعوت به هشیاری و آگاهی و رهایی از غفلت

آرایه: مجاز: زمان ← مردم زمان / تضاد: بیداری و خواب / کنایه: مرد خواب و خفت ← انسان رفاه طلب - سر بنه به بالین ← آسوده باش / تضمین: «رو سر بنه به بالین تنها مرا رها کن» مصراعی است از مولانا که استاد دکتر شفیع کدکنی آن را تضمین کرده است.

چنین قفس نه سزای چو من خوش الحانی است روم به گلشن رضوان که مرغ آن چمنم

مفهوم: بازگشت به اصل (انسان به عالم معنی تعلّق دارد نه به عالم خاک)

آرایه: استعاره (مصرّحه): قفس ← دنیا / تناسب: گلشن و چمن / تشبیه: من به مرغ آن چمن (= پرنده بهشتی) / تضاد: قفس (= دنیا) و گلشن رضوان (= بهشت) / مجاز: چمن ← رضوان، باغ، بهشت / تناسب: مرغ و قفس

إِذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ، فَقَوْلَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا.

مفهوم: با ملایمت با دشمن رفتار کردن



خواجه عبدالکریم، که خادم خاصّ شیخ ما، ابوسعید - قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ الْعَزِيزَ بود ...

نکته و توری: «ابوسعید» بدل از «شیخ ما» است.

یا عبدالکریم! حکایت نویس مباش، چنان باش که از تو حکایت کنند.

مفهوم: تلاش برای رسیدن به درجه‌ای که از انسان به نیکی یاد کنند.

اثر	قالب	پدیدآورنده
زندگانی جلال الدین محمد مشهور به مولوی	نثر (معاصر)	بدیع الزمان فروزانفر
الهی نامه ^۱	نظم (مثنوی)	سنایی
اسرارنامه	نظم (مثنوی)	عطار
منطق الطیر	نظم (مثنوی)	عطار
اسرار التوحید	نثر	محمّدبن منور

در متن درس هشتم به «الهی نامه»، «اسرارنامه» و «منطق الطیر» و پدیدآورندگان آن‌ها اشاره شده است.

نکات تاریخ ادبیاتی درس «در کوی عاشقان»^۲

محمّد ملقب به جلال الدین مولانا ← اوایل قرن ۷ در بلخ به دنیا آمد.
دلیل شهرت او به رومی و مولانای روم ← اقامت طولانی او در شهر قونیه بود.
بهاء الدین ولد ← محمّدبن حسین خطیبی، پدر جلال الدین محمد ← از دانشمندان روزگار بود.
ملاقات مولوی و عطار ← وقتی مولانا ۵، ۶ ساله بود به قصد سفر حج با خانواده رهسپار شد. در نیشابور شیخ فریدالدین عطار را ملاقات کرد.
عطار، کتاب اسرارنامه را به جلال الدین هدیه داد و به بهاء الدین گفت: زود باشد که این پسر تو آتش در سوختگان عالم زند.
پادشاه سلجوقی روم (علاء الدین کیقباد) ← از بهاء الدین ولد خواست به قونیه برود و در آن‌جا ساکن شود.
در هجده سالگی جلال الدین با «گوهر خاتون» سمرقندی ازدواج کرد و در بیست و چهار سالگی پدرش (بهاء الدین ولد) را از دست داد و مجالس درس و وعظ او را به عهده گرفت. هفت سال در حلب و دمشق به تحصیل دانش و معرفت گذراند. به قونیه بازگشت و به تدریس علوم پرداخت.
شمس الدین تبریزی ← در ۲۶ جمادی الآخر سال ۶۴۲ ه. ق وارد قونیه شد. وی عارفی کامل و از مردان حق بود. از مردم تبریز بود و بسیار مسافرت می‌کرد. به دلیل سیر و سفر هم‌چنین جست‌وجو در عالم معنا به او «شمس پرده» می‌گفتند. مولانا مرید شمس می‌شود و ۴۰ روز با او به خلوت می‌نشیند.
رفتن شمس ← شمس به دلیل حسادت و آزار شاگردان و یاران مولانا به دمشق می‌رود.
سلطان ولد ← فرزند مولانا که برای بازگرداندن شمس به دمشق می‌رود. شمس پس از بازگشت به قونیه دوباره مورد حسادت و خشم یاران و مریدان مولانا قرار می‌گیرد و دل از قونیه برمی‌کند.
سرانجام شمس ← بعد از غیبت دوم شمس، سرانجام و عاقبت کار او و این‌که چه بر سر او آمده روشن نیست. پس از شمس یعنی از سال ۶۴۷ ه. ق تا سال وفات (۶۷۲ ه. ق) مولانا به نشر معارف الهی مشغول بود.
شیخ صلاح الدین زرکوب ← از شاگردان و یاران نزدیک مولانا
حسام الدین چلبی ← از شاگردان مولانا که انگیزه سرودن کتاب مثنوی معنوی شد.
وی از مولانا خواست کتابی به طرز الهی نامه سنایی یا منطق الطیر عطار به نظم آورد.
سعدی و فخر الدین عراقی ← از شاعران و هم‌روزگاران مولانا بودند که ظاهراً با مولانا ملاقات داشته‌اند.
مولانا روز یکشنبه ۵ جمادی الآخر سال ۶۷۲ ه. ق وفات یافت.